

فراترکیب پژوهش اعتماد اجتماعی در ایران:
ارائه چارچوب والگویی جامع و یکپارچه
(بررسی کلیه مقالات ۲۰ ساله علمی پژوهشی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸

کد مقاله: ۱۶۰۲۱

محمدعلی زکی^۱

چکیده

اعتماد اجتماعی از اجزای ضروری زندگی اجتماعی بوده و به منزله یکی از مفاهیم کانونی جامعه‌شناسی تلقی می‌شود. علاوه‌بر جامعه‌شناسان در بررسی و تبیین اعتماد در طی دو دهه اخیر رشد سریع و فرازینده‌ای از خود نشان داده است. بدون انسجام اجتماعی و اعتماد، پایداری نظام اجتماعی امکان پذیر نیست. اعتماد اجتماعی تکیه گاه روابط اجتماعی و نیز اولین جزء اساسی نظریه‌های نوین سرمایه اجتماعی است. اعتماد اجتماعی را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از انتظارات، تمهبدات اکتسابی و به لحاظ اجتماعی تایید شده در نظر گرفت که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی خود دارند. اعتماد اجتماعی به مثابه پدیده اجتماعی تلقی شده و اصول پنج کانه جامعه‌شناسی تحلیل دورکیمی آن عبارتند از: «ماهیت و چیستی»، «الگوهای اجتماعی»، «همبسته‌ها»، «پیشایندها» و «پسایندهای اجتماعی». طی بیست سال گذشته، با توجه به اهمیت اعتماد اجتماعی در ایران، تحقیقات متعددی در این خصوص انجام شده است. با توجه به فراوانی و تنوع تحقیقات انجام‌شده، نیازبه انجام تحقیقات ترکیبی مثل فرا ترکیب در این حوزه احساس می‌شود. هدف اصلی پژوهش حاضر ارائه چارچوب و الگویی جامع و یکپارچه در خصوص اعتماد اجتماعی در ایران خواهد بود. تحقیق از نوع فرا ترکیب خواهد بود. اطلاعات تحقیق با استفاده از چهار منبع اینترنتی پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (sid.ir)، پایگاه اطلاع رسانی نشریات علمی ایران(magiran.com)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags.ir)، پرتال جامع علوم انسانی (Ensani.ir) جمع آوری شده است. بافت‌های تحقیق حاضر حاکی از آن داشته که طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ تعداد ۲۳۶ مقاله در موضوع اعتماد اجتماعی در ایران ثبت شده است. نتایج استفاده از روش فراترکیب تحقیق را قادر به ارائه چارچوب و الگویی جامع و یکپارچه تبیین اعتماد اجتماعی در ایران نموده است. بر اساس مدل پیشنهادی اعتماد اجتماعی قابل تدقیک و تبیین در چهار بخش به ترتیب فراوانی عبارتند از پیشایندها (۴۶ درصد)، پسایندها (۳۸ درصد)، وضعیت (۱۱ درصد) و کلیات (۵ درصد) بوده است. بیشترین عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی در ایران اختصاص به دینداری (۲۸ مقاله)، احساس امنیت اجتماعی (۲۷ مقاله)، طبقه اجتماعی (۱۹ مقاله)، دگرخواهی (نوع دوستی) و رسانه‌های جمعی (هر کدام ۱۱ مقاله)، تحصیلات و رضایت از زندگی (هر کدام ۹ مقاله) داشته اند. بیشترین اثرات اعتماد اجتماعی اختصاص به به دو متغیر مشارکت اجتماعی (۲۰ مقاله) و احساس امنیت اجتماعی (۱۳ مقاله) داشته است.

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، فراترکیب، مجلات علمی، مدل جامع.

۱- مقدمه

«بحث سرمایه اجتماعی بازنگری نظری در جامعه شناسی ایران شده و هم چنین در انجام پژوهش اجتماعی به متغیرهای جدیدی چون اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی، کنش اجتماعی و نهادها و سازمانهای اجتماعی در فهم و درک مسیر حرکت جامعه توجه شده است». (آزاد ارمکی و اسدی دریندی، ۱۳۸۹)

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و اجتماعی در میان افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی است و در جریان تعاملات اجتماعی و فرآیند روابط اجتماعی و کنش‌های متقابل بین افراد، گروه‌های اجتماعی و سازمان‌ها با یکدیگر تبلور می‌یابد. اعتماد نتیجه تعاملات اجتماعی موجود و گروهها و انجمن‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است. اعتماد نقش مهمی را در ایجاد نظم و همبستگی اجتماعی و نیز حفظ آنها بر عهده دارد. در عین حال، اعتماد اجتماعی، از عناصر مهمند در پذیرش و همدلی اجتماعی محسوب می‌شود و در عین حال، بستر ساز تعاملات اجتماعی و کانون مفهوم سرمایه اجتماعی است. اعتماد اجتماعی از شرایط و الزامات عمده و کلیدی برای موجودیت هر جامعه محسوب می‌شود و برای حل مسائل و آسیب‌های اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد بطوری که باعث پیدایش آرامش و امنیت روانی می‌گردد و برای حرکت موقفيت آمیز اقتصاد و افزایش مشروعيت نظام و توسعه سیاسی و اجتماعی ضرورت دارد. اعتماد به عنوان عنصری تاثیرگذار، می‌تواند تمام جنبه‌های زندگی بشری را شکل داده و زندگی اجتماعی را ممکن و آسان سازد. اعتماد اجتماعی یکی از مهمنترین مؤلفه‌های توسعه اجتماعی و گسترش مدرنیته است.

اعتماد اجتماعی از اجزای ضروری اجتماعی است. اعتماد اجتماعی مهمنترین وجه شاخص در مطالعات سرمایه اجتماعی است. اعتماد اجتماعی، به عنوان مهم ترین سازه سرمایه اجتماعی و از مهم ترین مفاهیم مطرح در حوزه علوم اجتماعی معاصر است. چرخش ساختار اجتماعی و تغییرات همه جانبه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مدرن و مخاطرات ناشی از این تغییرات توجه به این مفهوم را جدی ساخته است. با اهمیت یافتن اعتماد اجتماعی در جامعه معاصر، به تدریج این مفهوم در نزد سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و دولتمردان از جایگاه خاصی برخوردار شد تا جایی که سنجش سرمایه اجتماعی و به تبع آن اعتماد اجتماعی در قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور، نیز مورد توجه قرار گرفت.

مفهوم اعتماد اجتماعی از مفاهیم کلیدی و کانونی جامعه شناسی بوده و از آغاز طرح مباحث جامعه شناسی، اندیشه بسیاری از صاحب نظران کلاسیک را به خود معطوف کرده است. در نزد جامعه شناسی کلاسیک، بدون انسجام اجتماعی و اعتماد، پایداری نظم اجتماعی امکان پذیر نیست. اعتماد متقابل اجتماعی مردم یکی از عناصر اصلی نظم اجتماعی است. اعتماد اجتماعی عنصری حیاتی و مایه قوام جامعه است و ارتباط ناب منوط به اعتماد متقابل است. اعتماد در یک جامعه مانند شیرازه ای است که افراد یک جامعه را به هم پیوند می‌دهد و از انصصال و پراکندگی آنها جلوگیری می‌کند. اعتماد به لحاظ روانشناسی باعث پیدایش آرامش، امنیت و سلامت روان خواهد شد. به لحاظ اجتماعی، اعتماد پیش شرط عمده و کلیدی برای موجودیت هر جامعه ای محسوب می‌شود که به مشخصه‌های روابط اجتماعی تکیه می‌کند. چرخش شاخص های توسعه از مؤلفه‌های اقتصادی به سوی عوامل اجتماعی و فرهنگی، منجر به ورود مقولات جدیدی همچون اعتماد به عرصه توسعه شده است. طرح مقوله اعتماد، در واقع رشد نوعی جهت گیری فرهنگ محور در جامعه می‌باشد و به تعبیر زتومکا مصدق گردش از مفاهیم سخت اقتصادی به سوی مفاهیم نرم فرهنگی است.

«علایق جامعه شناسان در بررسی و تبیین اعتماد در طی دو دهه اخیر رشد سریع و فرازینه ای از خود نشان داده است. سوالات اصلی مطرح شده در باره اعتماد اجتماعی مدنظرمی باشد که مجموعه ای قوی از ادبیات در حال ساخت و جستجوی این سوالات است که عبارتند از: ماهیت آن چیست؟ چه زمانی تضمین می‌شود؟ چه شرایطی آن را تحربیک، پایدار و تقویت می‌کند؟ و چه چیزی آن را فرسایش داده و نابود می‌کند؟ آنچه از نظر تجربی کمتر مورد مذاقه قرار گرفته عبارتند از: (الف) چگونگی سنجش و اندازه گیری اعتماد اجتماعی (و شیوع آن در جامعه مختلف)، (ب) چگونگی (و چرا) ارتباط آن با برخی از سیستم‌های سیاسی و (ج) هم چنین مطالعات تطبیقی چگونگی تفاوت‌های اعتماد اجتماعی بین ملت‌ها» (وردوچی و اشرفی، ۲۰۲۰).

«ما با اعتماد به عنوان جنبه ای از رابطه بین دو یا چند بازیگر رفتار می‌کنیم و بنابراین از آن به عنوان اعتماد رابطه ای یاد می‌کنیم. اعتماد زمانی وجود دارد که یکی از طرفین رابطه معتقد باشد که طرف مقابل انگیزه ای دارد که به نفع او عمل کند یا منافع خود را جدی بگیرد. دو بعد اصلی اعتماد عبارتند از: (۱) شایستگی یا قابلیت اطمینان (ایا می‌توان به شما اطمینان داشت که کار یا عملی را که انجام داده اید، به شیوه ای مناسب انجام دهید؟) و (۲) امانت (درستی)، صداقت و تعهد به "حداقل ضرر" نرساندن با احترام به من در یک موقعیت خاص (کوک و گرباسی، ۲۰۰۹). «از حدود سال ۱۹۸۰ (۲۰۰۹)، موج جدیدی از نگرانی نظری با اعتماد ظهر کرد (زنومکا، ۲۰۰۱). البته این نگرانی نتیجه دو مطلب بود: (۱) درک این نکته که اعتماد اجتماعی و سیاسی رو به زوال است و (۲) این استدلال که اعتماد برای یک جامعه خوب و برخوردار از رشد اقتصادی و هماهنگ ضروری و لازم است (لوی، ۲۰۰۱) (به نقل از مارش، ۲۰۱۹). «اعتماد اجتماعی در سطوح خرد و کلان می‌تواند زمینه ایجاد احساسات مثبت و منفی را در فرد نمایان کند. اعتماد اجتماعی با توجه به دو رهیافت روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، قابل بررسی است. رهیافت روان‌شناسی، اعتماد را به عنوان ویژگی فردی مطرح می‌کند و بر نقش احساسات و عواطف فردی، تأکید می‌ورزد. رهیافت جامعه‌شناسی، اعتماد را به عنوان ویژگی روابط اجتماعی یا نظام اجتماعی در نظر می‌گیرد. برآیند این دو دیدگاه، دیدگاه ترکیبی است. این دیدگاه سعی دارد به جای تأکید صرف بر عوامل روانی یا عوامل اجتماعی، مجموعه این عوامل را در نظر بگیرد» (گروس، ۲۰۰۴).

«اعتماد برای درک پویایی روابط اجتماعی کلیدی است، تا آنجا که غالباً به عنوان چسبی که جامعه را به هم چسبیده نگاه می‌کند. در تحلیل اعتماد اجتماعی، بیشتر به بررسی اثرات اعتماد توجه می‌شود تا شرایط و عوامل موثر در آن. چنین رویکرد بدیعی تضمین می‌کند که جامعه شناسی اعتماد همچنان بینش مهمی در مورد عملکرد جامعه مدرن در سال‌های آینده فراهم می‌کند. دانشمندان علوم اجتماعی مدت‌هاست اصرار دارند که بدون اعتماد، جامعه همانطور که می‌دانیم پذیر نیست؛ بنابراین جای تعجب نیست که اعتماد در مرکز تحقیق جامعه شناسی است. تا به امرزو، مطالعه اعتماد در راس جامعه شناسی باقی مانده است که اغلب ناشی از این استدلال است که اعتماد زمینه ساز انواع نتایج کلیدی برای جامعه است، مانند عمل مقابله به مثل (عمل مقابله) (هایاشی و همکاران، ۱۹۹۹)، کنش جمعی (اوستروم، ۱۹۹۸)، همیستگی (ملم، ۲۰۰۷)، برابری (اسمیت، ۲۰۱۰)، نظم اجتماعی (کوک، ۲۰۱۵) و دموکراسی (چوی و دیوید، ۲۰۱۲). تحقیقات اعتماد علاوه بر آنکه شامل بستری از نظریه پردازی ها و سوالات جامعه شناسی بوده، در سایر رشته‌های مهم علوم اجتماعی و فراتر از آن نیز در حال رشد است. برای نمونه روانشناسی (مسیک و همکاران، ۱۹۸۳)، اقتصاد (فهر، ۲۰۰۹)، بیوشیمی (کاسفلد و همکاران، ۲۰۰۵)، علوم اعصاب (کرویگر و همکاران، ۲۰۰۷) و ژنتیک (کسارتینی و همکاران، ۲۰۰۸). هم چنین اعتماد در بسیاری از رشته‌های حرفه‌ای برای نمونه بازاریابی (مورگان و هانت، ۱۹۹۴)، مدیریت و سازمان (مایر و همکاران، ۱۹۹۵) و سیستم‌های مدیریت اطلاعات (پاولوف و گیفین، ۲۰۰۴) به کانون تحقیقات تبدیل شده است. اعتماد در تئوری‌های جامعه شناسی کلاسیک نقش اساسی داشته و هم اکنون به صورت تجریبی در چارچوب مجموعه گسترده‌ای از روابط اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است مانند کسانی که در محل کار هستند (بارت و کنز، ۱۹۹۵)، بین فروشنده‌گان و خریداران (کولوک، ۱۹۹۴)، سهامداران و بانک‌ها (ینکی، ۲۰۱۸)، حوزه سازمانها (پاول، ۱۹۹۶)، حوزه جاییم (اسمیت و پاپاچریستوس، ۲۰۱۶)، شهروندان و حکمرانان (چوی و دیوید، ۲۰۱۲)، دانشمندان (زوکر و همکاران، ۱۹۹۶)، حوزه آتش‌نشانی (پرات و همکاران، ۲۰۱۹)، پزشکان و بیماران (اشنیتکر، ۲۰۰۴)، اعضا خانواده (لی و تان، ۲۰۱۳)، حوزه افراد مطلقه (بورک و همکاران، ۱۹۹۹). با توجه به گسترده‌گی کاربردها در زمینه‌های مختلف، اعتماد برای تعدادی از زیرشاخه‌های جامعه شناسی از جمله جامعه شناسی اقتصادی (گران آوت، ۱۹۸۵)، روانشناسی اجتماعی (سیمیسون و وايلر، ۲۰۱۵)، جمعیت شناسی (اززلزی و هاستون، ۱۹۸۰)، روابط نزادی، جنسیتی و طبقاتی (اسمیت، ۲۰۱۰)، اخلاق (هیتلین و وای سی، ۲۰۱۰)، تعلیم و تربیت (بریک و اشنایدر، ۲۰۰۲)، جامعه شناسی پزشکی (استپانیک و همکاران، ۲۰۰۶)، مهاجرت (پورتس، ۱۹۹۵) وغیره مهم تلقی می‌شود» (شیلکه و همکاران، ۲۰۲۱).

جامعه جدیدبه دلیل برخورداری از ویژگی‌های منحصر به فردی چون گسترده‌گی و تنوع جوامع، پیچیدگی نهادها، افزایش ابهام و غریبه بودن نسبت به محیط اجتماعی توجه به اعتماد داشته و نقش آن در حیات اجتماعی را واقعیتی جدی تلقی نموده است. کاهش اعتماد اجتماعی از جمله مسائل جامعه ایران به شمارمی آید. طبق یافته‌های تحقیقات پیشین (آزاد ارمکی و کمالی، ۱۳۸۳، شارع پور، ۱۳۸۰، طرح ملی پیمایش سرمایه اجتماعی، امیر کافی، ۱۳۹۴، اوچاقلو و زاهدی، ۱۳۸۴) سطح اعتماد اجتماعی به دلایلی کاهش یافته که این امر به باور بسیاری از اندیشمندان، در سطح خرد بر روابط و مناسبات اجتماعی شهروندان، در سطح میانی بر نهادهای اجتماعی ای همچون خانواده و در سطح کلان بر سیستم اجتماعی و سیاسی تاثیرگذار بوده است (کرمی و همکاران، ۱۳۹۹). این کاهش می‌تواند نشانه‌های آسیب شناختی روابط اجتماعی تلقی شود. حیات اجتماعی در شرایط بی اعتمادی با انواع اختلالات همراه است. کاهش اعتماد به تهدیدهایی برای انسجام اجتماعی تبدیل می‌شود. نادیده گرفتن آن به منزله فاصله گرفتن از جامعه سالم است. فقدان اعتماد اجتماعی موجب بروز رفتار ضد اجتماعی، خشونت و سایر مشکلات اجتماعی می‌گردد.

۱- سوال اصلی پژوهش

اعتماد اجتماعی در ایران از منظر جامعه شناسی به متابه پدیده اجتماعی تلقی می‌شود. با توجه به کثرت تولیدات علمی پژوهشی طی دو دهه گذشته، چگونه می‌توان چارچوب و الگویی جامع و یکپارچه برای تبیین این پدیده اجتماعی (اعتماد اجتماعی) ارائه نمود؟ نقش و کارکرد روش جدید فراترکیب در این راستا چگونه خواهدبود؟

۱-۲- اهداف فرعی پژوهش

- الف) چگونگی «روندهای پژوهشی» تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰.
- ب) چگونگی «گرایش‌های پژوهشی» تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰.
- ج) انواع گوناگون متغیرهای اصلی و فرعی در هر کدام از بخش‌های مربوط به «گرایش‌های پژوهشی» تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰.
- د) اولویت بندی (رتبه بندی) «گرایش‌های پژوهشی» تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰.
- ه) چگونگی امکان "ارائه چارچوب و الگویی جامع و یکپارچه در خصوص تبیین اعتماد اجتماعی در ایران" با استفاده از روش فراترکیب.

۲- اعتماد اجتماعی: چیستی فضای مفهومی، بستر تاریخی و گونه شناسی (سنخ شناسی) سطوح آن

در کل جامعه شناسان معاصر و کلاسیک تعاریف متعدد و مختلفی از اعتماد اجتماعی ارائه نموده اند که این تعاریف بیانگر سطح تحلیل، رویکرد، مبنای نظری، نوع اعتماد مورد نظر و سطح مطالعه آنها دربار اعتماد اجتماعی می باشد»(آزادارمکی، ۱۳۸۳). پورتر(۱۹۹۳) پیشنهاد می کند که سه وجه در توصیف سرمایه اجتماعی غالباً با هم جمع می شوند: فرایندهای اجتماعی منجر به سرمایه اجتماعی (مانند جمع گرایی و اعتماد)، خود سرمایه اجتماعی و نتایج سرمایه اجتماعی.

«عمدتاً تحقیقات موجود دو منبع اصلی اعتماد اجتماعی را شناسایی و تحلیل می کنند. یکی از این مدل‌ها منابع اعتماد اجتماعی را در سطح فردی، با پویایی اجتماعی-روانشناسی بررسی می کند(گلأنویل و پاکستون، ۲۰۰۷). این مدل مدعی است که اعتماد اجتماعی عمدتاً در اویل زندگی فرد آموخته می شود و با سایر ویژگی های روانشناسی فرد مرتبط است(اوائز و ریول، ۲۰۰۸). مدل دیگر مدعی است که اعتماد اجتماعی محصول ساختارهای سیاسی و اجتماعی بزرگتر است. جوامع دارای شبکه های متراکم از روابط اجتماعی و نهادهای سیاسی بی طرف، افراد را به سمت رشد سطح بالاتری از اعتماد اجتماعی سوق می دهند که به نوبه خود بر جوامع تأثیر مثبت می گذارد(پاتنام، ۱۹۹۳، روتشتاین و استولو، ۲۰۰۸)»(دلموت و تالبرگ، ۲۰۲۰).

«اعتماد یعنی اطمینان خاطر نسبت به رفتار دیگری، به شکلی که این اطمینان به ایجاد روابط دوستانه و همیاری نیز منجر شود. اعتماد اجتماعی را می توان داشتن حسن ظن به دیگران در روابط اجتماعی دانست، تسهیل کننده روابط اجتماعی است و امکان سود یا زیان را در خود نهفته دارد»(امیرکافی، ۱۳۸۰).

«اعتماد به عنوان ویژگی فردی مطرح می شود و بر احساسات، عواطف و ارزش‌های فردی تأکید دارد و در بررسی اعتماد نظریه‌های شخصیت و متغیرهای فردی مورد توجه قرار می کشد. بر اساس این دیدگاه، اعتماد با مقایمه‌ی چون همکاری، صداقت، وفاداری، صمیمیت، امید و دگرخواهی ارتباط نزدیک دارد»(اجاقلو و زاهدی، ۱۳۸۴).

«منظور از اعتماد، پذیرش خطر مواجهه و ارتباط با دیگران است، با این تصور که آن‌ها چنان که انتظار می‌رود، رفتار خواهند کرد یا این که عمداً در پی آزار و اذیت ما نخواهند بود. اعتماد، تمایل افراد را به تعامل و همکاری با گروه‌ها افزایش داده و شبکه‌ای از روابط داولطلبانه میان گروه‌ها را در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی تشکیل می‌دهد. اعتماد به میزان اطمینان افراد در مورد اینکه دیگران چقدر به حرف‌های خود عمل می‌کنند و یا انتظار می‌رود که عمل کنند و بالاخره حرف‌های انان به چه میزان موثر است، اطلاق می‌شود. سطح اعتماد شخص به فرد دیگر بستگی به برداشت شخص از قابل اعتقاد بودن ان دیگری دارد، اگرچه افراد می‌توانند در اعتماد به دیگران خطر(ریسک) کنند. درحالی که اعتماد می‌تواند به فرد و یا هم چنین به گروه‌ها و نهادهای درون یک جامعه از جمله حکومت‌ها مربوط باشد. هم چنین می‌توان از سطح کلی «اعتماد» در درون یک جامعه معین نیز سخن به میان آور»(پیران، ۱۳۹۲).

فرهنگ معین اعتماد را تکیه کردن بر، واگذاشتن کار به کسی و سپردن چیزی به کسی معنا کرده است و اعتماد کردن را به معنای وثوق به کسی یا اطمینان کردن به کار برده است، فرهنگ عمید نیز همین معنا را به کار برده است، اعتماد یعنی تکیه کردن، متنکی شدن به کسی، کاری را بی‌گمان به او سپردن و واگذاشتن کار به کسی. در فرهنگ انگلیسی اکسفورد، اعتماد به عنوان اتکاء یا اطمینان به نوعی کیفیت، صفت یک چیز، یا اطمینان به حقیقت یک گفته، تعریف شده است.

واژه در متون جامعه‌شناسی به صورت‌های گوناگونی تعریف شده است: «اعتماد باوری قوی به اعتبار، صداقت و توان یک فرد، انتظاری مطمئن و انکا به یک ادعا یا اظهار نظر، بدون ازمون کردن آن است»(لیون، ۲۰۰۰). «اعتماد عبارت است از اطمینان به دیگران به رغم احتمال و امکان فرصت‌طلبی، عدم قطعیت و مخاطره آمیز بودن آنان است(میزتال، ۱۹۹۸)؛ به عبارت دیگر، اعتماد نوعی شرط‌بندی در مورد کنش‌هایی است که دیگران در آینده انجام خواهند داد(زتموکا، ۱۳۸۶). «اعتماد عبارت است از واگذاری منابع به دیگران با این انتظار که آنها به گونه‌ای عمل خواهند کرد که نتایج منفی به حداقل ممکن کاهش یابد و دست یابی به اهداف میسر گردد»(لیسون و فایرسون به نقل از امیرکافی، ۱۳۸۰).

اعتماد اجتماعی به معنای پذیرش خطر مواجهه و ارتباط با دیگران است با این تصور که آنها چنان که انتظار می‌رود، رفتار خواهند کرد یا اینکه عمداً در پی آزار و اذیت ما نخواهند بود. «اعتماد مستلزم تمایل به ریسک پذیری در یک زمینه اجتماعی مبتنی بر احساس اطمینان است که دیگران همانطور که انتظار می‌رود واکنش نشان می‌دهند و از راه‌های حمایت متقابل عمل می‌کنند، یا حداقل دیگران قصد آسیب ندارند به گونه‌ای که کنش‌گر به دیگران و نحوه‌ی پاسخ آنها اطمینان می‌کند»(اوینیکس و بالن، ۲۰۰۰) «اعتماد اجتماعی عبارت است از درجه‌ای از شناخت و اطمینان نسبت به غیر (از نظر شخصیت، جایگاه، نقش اجتماعی و...) که زمینه ساز رابطه متقابل اجتماعی آسانتر، سریع‌تر، بی‌پیرایه تر و هدفمند تر استاین غیر می‌تواند یک فرد، نهاد، ساختار یا حتی یک امر انتزاعی باشد»(تاجبخش، ۱۳۸۴) «اعتماد پذیرفتن دیگران در ارتباط با مصالح فرد است؛ انتظار رفتار مفید داشتن از دیگران یا دست کم مضر نبودن کنش آن‌ها برای مصالح و منافع اعتماد کنند. اعتماد در معنای کلی بازگوی این باور است که دیگران با کنش خود به آسایش یا رفاه اعتماد کنندگان کمک کرده و از آسیب زدن به آنها یا منافع شان خوداری کنند. اعتماد اجتماعی دلالت دارد بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی دارند»(علی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸).

باربر اعتماد را چنین تعریف می‌کند: «از نظر اجتماعی آموخته شده و از نظر اجتماعی تأیید شده است، انتظاراتی که مردم از یکدیگر دارند، از سازمانها و موسساتی که در آنها زندگی می‌کنند و نظم‌های اجتماعی طبیعی و اخلاقی که تفاهمات اساسی

زندگی آنها را ایجاد می کند. اعتماد اجتماعی، انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و، نسبت به سازمان ها و نهادهای اجتماعی دارند تعریف شده است. اعتماد اجتماعی دلالت بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی اشان دارند، تعریف شده است.^{۱۹۸۳}(باربر، ۱۹۸۳)

اعتماد اجتماعی شاخصی از سرمایه و نظم اجتماعی است که تبادل اجتماعی را در شرایط عدم اطمینان و ریسک تسهیل می‌کند» (کوک، ۲۰۰۱). «اعتماد به جنبه قابلیت پیش‌بینی رفتار توجه دارد. اعتماد یا عدم اعتماد به تشکیل انتظارات در شرایط اطلاعاتی ناقص کمک می‌کند و اعتماد این انتظارات را در بر می‌گیرد که رفتار قابل دیگری به طرز قابل پیش‌بینی دوستانه خواهد بود و در جهت مخالفت رفتار مذیانه یا غیرقابل اعتماد افراد، عدم اعتماد تلقی می‌شود» (اینگلهارت، ۱۳۷۳). نیکلاس لومان مفهوم اعتماد را از دیدگاه ویژه‌ای بررسی می‌کند که کمتر مورد توجه نظریه پردازان دیگر بوده است. او کارکرد اعتماد اجتماعی را درون نظام اجتماعی بررسی کرده و بر این نظر است که کارکرد اعتماد اجتماعی، یک سازوکار اجتماعی است که در آن انتظارات، اعمال و رفتارها، تنظیم و هدایت می‌شود (لومان، ۱۹۷۹). «نیکلاس لومان، اعتماد را به معنی مطمئن بودن درباره کشن‌های احتمالی دیگران در آینده تعریف می‌کند و عنوان می‌کند که اعتماد با مفهوم مخاطره و ریسک در ارتباط است. به اعتقاد لومان کارکرد اعتماد در نظام اجتماعی این است که عدم تعیین اجتماعی را کاهش می‌دهد» (به نقل از امیر کافی، ۱۳۸۰)

جیز کلمن اعتماد را وارد کردن عنصر خطر در کنش با دیگران دانسته و اعتماد را با مخاطره در ارتباط می داند. فرانسیس فوکو یاما اعتماد را به عنوان انتظاری که در یک جامعه از رفتار مقرر اتی، مسئولانه و همیارانه بخشی از اعضای دیگر جامعه که بر هنجرهای مشترک عام مبتنی است، تعریف می کند. فوکو یاما از اعتماد به مثابه شاخصی برای بیان سرمایه اجتماعی در معنای ارزشهای جمعی شبکه های اجتماعی و اخلاق فرهنگی که بیناد رشد و ثبات اقتصادی را تشکیل می دهند، استفاده می کند.

اریک اریکسون روانشناس مشهور در بعد روان شناختی، اعتماد بنیادی را مورد توجه قرار داده و به اعتقاد وی "اعتماد بنیادی، نگرشی است نسبت به خود و دنیای پیرامون که حاصل تجربیات شخصی در اوایل زندگی است". دیوید جانسون معتقد است "اعتماد یک ویژگی شخصی ثابت و بلا تغییر نیست، بلکه جنبه ای از روابط است که پیوسته در حال تغییر بوده و برای ایجاد ارتباط، فرد باید بتواند فضایی آنکه از اعتماد را ایجاد کند که ترس از طرد شدن را کاهش و امید به پذیرش و حمایت و تأیید را افزایش دهد"

«کلاوس افه مطرح می‌کند که یکی از جاذبه‌های ذهنی آن دشیستین درباره پدیده اعتماد اجتماعی، توانایی بالقوه این پدیده برای پرکردن شکاف میان سطوح کلان و خرد در نظریه اجتماعی است. اعتماد به معنای باور به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود. اعتماد، فرضی شناختی است که کنشگران فردی یا جمعی در تعامل با دیگران بکار می‌بندند. این فرض شناختی با ترجیحات و تمایلات رفتاری دیگران از لحاظ آمادگی آنها برای همکاری و پرهیز از اقدامات خودخواهانه، فرصت طلبانه و خصم‌مانه ارتباط دارد. اعتماد به معنای این باور است که دیگران با اقدام یا برخورداری از اقدام خود به رفاه من یا ما کمک می‌کند و از آسیب زدن به من با ما خودداری، مر. کنند» (تاجبخش، ۱۳۸۴)

«بحث درایبیت‌جامعه شناختی تمایل به آن داشته که اعتقاد اجتماعی اهمیتی اساسی در روابط اجتماعی ایفاء می‌کند و براین فرض استوار است که اعتقاد اجتماعی به منزله محور و مرکزشکل گیری روابط و نهادهای اجتماعی است و به طور عمده برخواسته از ایده دورکیم (اعتماد به عنوان کیفیت همیستگی ارگانیک) وهم چینن تاکیدزیم (بدون اعتقاد عمومی که مردم به یکدیگر دارند، جامعه متلاشی، مر. شیهد) بهده است.

جستجوی Google Scholar برای یافتن مقالات درباره "اعتماد" ازدهه ۱۹۰۰ نشان داد که تا سال ۱۹۵۰ ادبیات علمی عمده‌تاً به عدم اعتماد به روابط بین شخصی اشاره دارد. نتایج پژوهش بیانگر رشد چشمگیر نشریات مربوط به اعتماد از دهه آغاز سال ۱۹۶۰ و چesh کوانسومی سال ۱۹۹۰ می‌باشد. داده‌ها نشان از روند افزایش اهمیت موضوع اعتماد از سال ۱۹۰۰ تاکنون داشته‌اند (پاریالت، ۲۰۱۹، الف).

ازدهه ۱۹۰۰ تا سال ۱۹۵۰ ادبیات علمی عمدتاً به عدم اعتماد به روابط بین شخصی اشاره دارد. از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ متفاوتی مشاهده شده و این الگو شروع به تغییر می‌کند. اعتماد در ادبیات علمی از طریق انتشارات روانشناسان اجتماعی علاوه‌مند به موضوع «اعتماد بین فردی» (روتر ۱۹۶۷) و پیچیری موضوعاتی مانند اعتماد و سوژن (دویچ ۱۹۵۸)، اعتماد و نظرارت (استریکلند ۱۹۵۸)، اعتماد و مقیاس F (دویچ ۱۹۶۰) و غیره که البته منعکس کننده نگرانی‌ها و تمایلات دوره پس از جنگ جهانی دوم و محافظت از دوره جنگ سرد است. این تا حدی نتیجه افزایش تعداد رشته‌هایی است که به درمان مشکل اعتماد همانطور که تصور می‌کنند تبدیل شده است. تا دهه ۱۹۵۰ اقتصاددانان و محققان حقوقی عملاً در علاقه خود به اعتماد سرکشتها تنهای بودند و در طی دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ روانشناسان توجه خود را به اعتماد بین فردی معطوف کردند، همانطور که در بالا ذکر شد، طی دو دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ محققان مدیریت با وام گرفتن معنای روانشناسخی این اصطلاح، توجه خود را به اعتماد معطوف کردند. متن برگسته این ادبیات کتاب زند (۱۹۷۲) است که تمرکز وی بر روی "حل مشکلات اعتماد و مدیریت" مشکلاتی را ایجاد کرد که ادبیات مدرن بترا همچنان به خود مشغعاً می‌گردند.

از دهه ۱۹۸۰ توسط حضور علمی و پژوهشی جامعه شناسان در نشریات مربوط به اعتماد اجتماعی درخشنان می نمایند. اعتماد به منزله تمی (ایده ای اساسی در ادبیات جامعه شناسی در دهه ۱۹۸۰ با تحقیقات لومان و باربر استقرار پیدا کرد، به گونه ای که در تحقیقات لوئیس و وایگرت (۱۹۸۵) و سیلور (۱۹۸۵) و گامبتا (۱۹۸۸) این تاثیر مورد برسی قرار گرفته شده است. درمجموع

دوازه علمی قوی نیکولاوس لومان تحت عنوان اعتماد و قدرت (۱۹۷۹) و هم چنین برنارد باربر تحت عنوان منطق و محدوده اعتماد (۱۹۸۳) موجب شده که مفهوم اعتماد اجتماعی به منزله مفهومی اساسی، محوری و کلیدی برای نظریه پردازی جامعه شناختی جامعه معاصر نقش ایفاء کنند. ایده ای که با جذب آسان مفهوم اعتماد به نظریه های سرمایه اجتماعی پشتیبانی می شود (فوکویاما ۱۹۹۵؛ استروم و آن ۲۰۰۳). جنبه اعتماد که در اینجا نشان داده شده است، با شرایط اجتماعی ظهور یافته ای که در تعدادی از تحولات اخیر منعکس شده است، متناسب است. به طور گسترده، تمرکز در حال رشد بر اعتماد همزمان با ظهور و ظهور نظریه انتخاب عقلانی است که در آن اولویت فردی به عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته می شود (کلمن، ۱۹۹۰ و گلدتورپ، ۲۰۰۰). تأثیر تحقیقات روانشناسی اجتماعی در درک اولیه جامعه شناختی از اعتماد بین فردی در این واقعیت مشهود است که تقریباً نیمی از منابع در لوئیس و وایگرت (۱۹۸۵) به انتشارات روانشناسی است. از این زمان تعدادی کاملاً دقیق جامعه شناختی تک نگاری های مربوط به اعتماد آغاز می شود، از جمله مهمترین آنها می توان به فوکویاما (۱۹۹۵)، میتل (۱۹۹۶)، سلیگمن (۱۹۹۷)، زتومکا (۱۹۹۹) و مولرینگ (۲۰۰۶) اشاره کرد.

علاوه بر تازگی نسبتاً علاقه جامعه شناختی به اعتماد، شدت فرازینه آن علاقه توسط یکی از نویسندها به عنوان "انفجار کار علمی اجتماعی در مورد اعتماد" توصیف شده است (شاپیرو، ۲۰۱۲) که نه تنها جامعه شناسی (لوئیس و وایگرت، ۲۰۱۲) بلکه مطالعات مدیریت (آرنوت، ۲۰۰۷) و علوم سیاسی (سیترین و استوکر، ۲۰۱۸؛ لوی و استوکر، ۲۰۰۰) را هم تحت تأثیر قرار داده است. گسترش تعداد نتایج تحقیق در مورد اعتماد بین فردی یا اجتماعی به سادگی منعکس کننده تغییر ذاتی علمی نیست. توجه روزافروز به اعتماد در طول سالهای اخیر به عنوان شاهد جدیدی از نقش اعتماد در تحکیم و اثربخشی روابط اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، در برخی بحث های ضمنی است که اعتماد تنها تحت شرایط خاص مورد توجه استراتژیک فکری قرار می گیرد، مانند زمانی که لومان (۲۰۱۷) معتقد است عملکرد اعتماد کاهش پیچیدگی اجتماعی است، این مورد اخیر از لحظه تاریخی یک ویژگی سیستم های اجتماعی است. توجه فرازینه ای که به اعتماد در طی سالهای اخیر داده شده گواه تغییر در بنیان اجتماعی داشت که علاقه به اعتماد را به عنوان پذیده ای که نیاز به تحقیق دارد، ارتقا می بخشد. در واقع، توجه به مبانی اجتماعی درک اعتماد توسط دانشمندان علوم اجتماعی امروزی می تواند به درک مفهوم اعتماد خود کمک کند. به اعتقاد میتل (۱۹۹۶) اگرچه نظریه پردازان مختلف از واژگان متمایز استفاده می کنند، اما بدون شک همگرایی ایده هایی وجود دارد که نشان می دهد که در اوآخر مدرنیته، اعتماد اجتماعی (باتکیه بر چگونگی روابط اجتماعی) برای حفظ نظم اجتماعی مهمتر می شود؛ بنابراین، اعتماد به عنوان ابزاری که افراد از طریق آن با دیگران ارتباط برقرار می کنند، از نظر روش شناختی، معرفت شناختی و ایدئولوژیکی با گرایش های دیگر زندگی اجتماعی مدرن متأخر همگراست.» (باربالت، ۲۰۱۹)

در سال های اخیر، جامعه شناسان برای نمونه گارفینکل (۱۹۶۳)، هنسنلین (۱۹۷۲)، کونوایز (۱۹۷۳)، هولزنر (۱۹۷۳)، اسراب و پرایست (۱۹۷۶)، هاس و دسراون (۱۹۸۱) و وایگرت (۱۹۸۱ و ۱۹۸۳) شروع به تبیین مفهوم «عتماد» به عنوان یک موضوع جامعه شناختی کرده اند (لوئیس و وایگرت، ۱۹۸۵).

لوئیس و وایگرت (۱۹۸۵) در چارچوب مفهوم اعتماد با تکیه بر نظریات لومان، باربر، پارسونز و زیمل برای اعتماد سه بعد در نظر میگیرد که عبارتند از: احساسی، شناختی، رفتاری. به رغم آنها بنیاد احساسی اعتماد بعد شناختی آن است و عنصر عاطفی اعتماد، میان همه کسانی که در یک رابطه شرکت میکنند پیوند احساسی را فراهم میسازد و در چنین موقعیتی، سرمایه گذاری های شدید عاطفی خلق میشود. به اعتقاد او بعد رفتاری اعتماد در کنش اجتماعی ظاهر میشود که طی آن کششگر بر اساس این انتظار که دیگر کنشگران به شکلی شایسته با وظیفه شناسی عمل خواهند کرد، به کنش میپردازد.

«از دیدگاه جامعه شناختی، اعتماد باید به عنوان ویژگی واحد های جمعی (سلسله های دائمی، گروه ها و جمع آوری ها) تصور شود، نه افراد منزوی. اعتماد به عنوان یک ویژگی جمعی در میان مردم قابل اجرا است

تا اینکه یک وضعیت روانی مردم به صورت جداگانه باشد؛ بنابراین، ممکن است بگوییم که اعتماد در یک سیستم اجتماعی تا آنجا وجود دارد که اعضای آن سیستم مطابق با عملکرد یکدیگر و یا نمایش های نمادین آنها، انتظار می رویدتا در آینده مطابق آن عمل کنند و از امنیت برخوردار باشند. این پیچیدگی در جنبه های مختلف زندگی اجتماعی در زمانهای گوناگون به راحتی دیده می شود. این شکل از اعتماد در قالب گرایشهای باورها (یا شناخت ها) و احساسات (یاتاثرات و عواطف) خود را نشان می دهد» (لوئیس و وایگرت، ۱۹۸۵).

«زیمل همانند بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی به عنوان مثال، تونیس، دور کیم، پارسونز ادعا کرد که اعتماد یکی از مهمترین نیروهای یکپارچه در جامعه است. نوسازی و انزوای اجتماعی مداوم آن، در مواجهه با تغییرات گسترشده جهانی، بر لزوم بررسی اعتماد اجتماعی به مثابه موضوعی چند متغیره و چند رشته ای آن تأکید می کند» (ساساکی و مارش، ۲۰۱۲).

لوئیس و وایگرت (۲۰۱۲) به بررسی تحقیقات نظری و تجربی درخصوص پویایی های اجتماعی اعتماد طی سالهای ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۲ نموده اند و درگزارش آنها آمده است:

«پدیدارشناسی زندگی روزمره اعتماد را به عنوان یک بنیاد اجتماعی غیرقابل کاهش در تعامل در دنیای زندگی آشکار می کند. به این ترتیب، اعتماد یک واقعیت اجتماعی عینی است که به عوامل روانشناسی تقلیل نمی یابد. از آنجا که جامعه پست مدرن فرصت های جدید و چالش های جدیدی برای اعتماد در سطوح بین فردی، سازمانی و فرهنگی ایجاد کرده است، تحقیقات بین رشته ای در همه این زمینه ها شدت یافته است. جانسون و گرایسون (۲۰۰۵) دو مولفه اعتماد شناختی و اعتماد عاطفی را مورد تاکید قرار داده اند. در مقابل جهت گیری زیملی درباره مولفه عقلانی اعتماد، مفهوم منطقی تر

اعتماد به طور منظم مربوط به دو جنبه عاطفی (احساسی) وهم چنین رفتاری اعتماد می گردد. وبر و کارترا (۲۰۰۲) متأثر از ایده جورج هربرت مید معتقدند که اعتماد به منزله جهت گیری بنیادین بین فرد و دیگران تلقی می شود. این جهت گیری مبتنی بر سه شیوه تجربه انسانی شامل احساسات (عواطف)، شناختی و رفتاری بوده که نتیجه واکنش های متقابل بین عناصر سه کانه مذکور متهی به شکل گیری اعتماد اجتماعی می گردد. پیش نظری درخشنان که توسط گئورگ زیمل و نیکلاس لومان آغاز شد و علاقه اولی دهه ۱۹۸۰، لوئیس و وایگرت را به اعتماد تحریک کرد، در سالهای اخیر توسط مولرینگ (۲۰۰۱ و ۲۰۰۶) با قوت بیشتری پیش رفته است. مولرینگ (۲۰۰۶) همچنین ارزیابی انتقادی دیگری از مفاهیم معاصر اعتماد ارائه می دهد که همانطور که وبر و کارترا (۲۰۰۲) مبتنی بر رویکرد «بازتابندگی» به روابط متقابل بین اساس یک ایده کاملاً منطقی از انتظار برای اعتماد است. باریالت (۲۰۰۹) مبتنی بر رویکرد «بازتابندگی» به روابط متقابل بین دو نوع اعتماد شناختی و اعتماد عاطفی پرداخته است.

در یک تقسیم‌بندی کلی، اعتماد را می‌توان در چهار سطح مورد بررسی قرار داد: ۱) اعتماد بنیادین که در سطح فردی و روان‌شناسی بررسی می‌شود؛ ۲) اعتماد بین شخصی؛ ۳) اعتماد تعییم‌یافته یا عام و ۴) اعتماد به نظام یا سیستم که در سطح جامعه شناسی بحث می‌شود:

(۱) اعتماد بنیادین: اعتماد بنیادی نگرشی است که فرد نسبت به خود و دنیای پیرامون خود دارد و موجب تقویت این احساس می‌شود که افراد و امور دنیا قابل اعتماد و دارای ثبات و استمرار هستند (گیدنز، ۱۳۷۷). اریک اریکسون معتقد است این اعتماد، محصول فرایندهای دوره نوزادی است. اگر دیگران نیازهای اصلی و مادی و عاطفی نوزاد را تأمین کنند، حس اعتماد در کودک به وجود می‌آید، اما عدم تأمین این نیازها، سبب می‌شود نوعی بی‌اعتمادی نسبت به جهان، به ویژه در روابط شخصی به وجود آید (جواهری و بالاخانی، ۱۳۸۵).

(۲) اعتماد بین شخصی: اعتماد بین شخصی شکلی از اعتماد است که در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد. این شکل از اعتماد موانع ارتباطی را مرتفع می‌سازد و با کاستن از حالت دفاعی، سیاری از تعاملات روزانه را موجب می‌شود. اعتماد بین شخصی، حوزه‌ای از تعاملات میان عشقاء، دوستان و همکاران و همچنین اعتماد میان رئیس و کارمند، سرپرست و کارگر، معلم و شاگرد، فروشنده و مشتری، پزشک و بیمار ... را دربر می‌گیرد. مشکل اصلی اعتمادی که از تجربه تعامل شخصی ایجاد می‌شود، محدود بدن قلمرو آن است و در جامعه‌ای که تحرک و نیازها به همکاری با غریبیه‌ها و انکا به آن‌ها یکی از ویژگی‌های بر جسته آن است، چندان راه‌گشا نیست (امیرکافی، ۱۳۸۰).

«اعتماد بین شخصی» بر اساس روابط مستقیم و چهره به چهره شناخته می‌شود؛ و مبتنی بر روابط بین فردی است. همیزیستی مستقیم بین شرکت کنندگان یکی از ویژگی‌هایی است که اعتماد بین شخصی را از دیگر شکل‌های اعتماد تمایز می‌کند. اعتماد بین شخصی در ارتباط با تعامل و روابط میان اعضای خانواده، دوستان، همکاران و دیگر موارد مشابه تجلی پیدا می‌کند (غفاری، ۱۳۸۲).

زیومکا در توضیح این نوع از اعتماد اظهار می‌دارد «باریک ترین شعاع اعتماد در بین اعضای خانواده خودمان اسم است که فضایی مملو از صمیمیت و نزدیکی بر آن حاکم استبه این ترتیب اعتماد به افرادی است که مشخصاً آن‌ها را به اسم می‌شناسیم، رابطه چهره به چهره با آنان داریم مانند: دوستانمان، همسایه‌ها، شرکای تجاری و همکاراناین نوع از اعتماد صمیمیت و نزدیکی قابل توجهی را می‌طلبید (زیومکا، ۱۹۹۹).

(۳) اعتماد تعییم‌یافته یا عام؛ اعتماد تعییم‌یافته را می‌توان داشتن حسن ظن نسبت به اکثریت افراد جامعه جدای از تعلق آن‌ها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف نمود (امیرکافی، ۱۳۸۰).

اعتماد اجتماعی یا اعتماد تعییم‌یافته در زمینه‌ای فراتر از روابط چهره به چهره قرار می‌گیرد و در شکه‌های موجود در سطح فرادری جریان می‌یابد؛ بین طریق اعتماد به اشخاص جای خود را به مقوله‌های اجتماعی انتزاعی تر و کستردۀ تر می‌دهد که در سطحی وسیع تر از مزهای خانوادگی، همسایگی و طایفه ایی قرار می‌گیرند؛ حوزه تعامل و ارتباط در اعتماد تعییم‌یافته یا عام از سطح روابط و تعامل درون گروهی به تعامل بین گروهی ارتقا می‌یابد (غفاری، ۱۳۸۳)؛ به طور خلاصه اعتماد تعییم‌یافته اعتماد به غریبیه‌ها و کسانی است که آن‌ها را شخصاً نمی‌شناسیم؛ این نوع از اعتماد در سطح وسیع تر از اعتماد بین شخصی، از شبکه‌های موجود در امور اجتماعی، مدنی و هنجارهای روابط متقابل ناشی می‌شود. اعتماد تعییم‌یافته یا اخلاقی مبتنی بر تجارت شخصی ما نیست بلکه بیشتر مبتنی بر نگاه ما به جهان است که از والدین خود یاد می‌گیریم و کاملاً باثبات و محکم است و در طول زمان توسط نمونه‌های اتفاقی خیانت یا قربانی (بی‌اعتمادی) از بین نمی‌رود. موضوع این اعتماد به عنوان مهم‌ترین عنصر نگرشی سرمایه اجتماعی قلمداد شده و از آن، جهت تمایزکردن جوامعی که دارای سرمایه اجتماعی سطح بالا هستند نسبت به جوامعی که دارای سطح پایین سرمایه اجتماعی هستند استفاده می‌شود. این نوع اعتماد در سطحی گستره‌تر از خانواده، دوستان و آشنایان قرار می‌گیرد. زیومکا (۱۳۸۶) معتقد است هدف یا جهت گیری اعتماد ممکن است معطوف به جنسیت (من به زن‌ها اعتماد دارم، اما به مردها اعتماد ندارم)، سن (من به افراد میان سال اعتماد دارم و ...)، نژاد، قومیت، مذهب و ... باشد. «اعتماد تعییم‌یافته» را می‌توان داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه جدای از تعلق آنها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف کرد. این تعریف بیانگر چند نکته اساسی است:

- اعتماد تعییم‌یافته تنها به افرادی که با هم برهم کنش دارند و میانشان روابط چهره به چهره برقرار است، محدود نمی‌شود؛

- اعتماد تعمیم یافته حوزه‌ای از کسانی را که با ما برهمکنش دارند یا بالقوه می‌توانند برهمکنش داشته باشند در برمی‌گیرد؛
- اعتماد تعمیم یافته مرزهای خانوادگی، همسایگی، قومی و محلی را در می‌نوردد و در سطح ملی گسترش می‌یابد؛
- اعتماد تعمیم یافته پدیده نسبتاً جدیدی است که همراه با شکل‌گیری دولت‌های مدرن یا «دولت - ملت» مطرح می‌شود و بالاخره اعتماد تعمیم یافته لازمه همکاری و مشارکت میلیون‌ها شهروندی است که جوامع پیچیده و مدرن امروزی را تشکیل می‌دهند (امیرکافی، ۱۳۸۰).
- اعتماد به نظام یا سیستم: در جامعه مدرن، الزاماً دو سوی فرایند ارتباط را ارتباط‌گران انسانی تشکیل نمی‌دهند، بلکه انسان‌ها گاهی با کنش‌گران غیر فردی ارتباط برقرار می‌کنند. به این ترتیب شکل دیگری از اعتماد مطرح می‌شود که متوجه ساختارهای غیر شخصی است. در این مورد به دو نوع اعتماد نهادی و اعتماد مدنی یا انتزاعی اشاره شده است:
- الف) اعتماد نهادی: اعتماد نهادی دلالت دارد بر میزان مقبولیت و کارایی و اعتمادی که مردم به نهادها (رسمی دولتی) دارند. به تعبیر دوگان (۱۳۷۴) انکاس فقدان اعتماد به نهادها در اغلب موارد، نتیجه بی‌اعتمادی به افرادی است که عهده‌دار امور آن نهادها هستند (علی پور و همکاران، ۱۳۸۸).
- «بنابراین میزان اعتماد نهادی بر حسب نوع ارزیابی مردم از کارکنان این نهادها در قالب ادارات، ارگان‌ها و نهادهای مختلفی که در زندگی روزمره با آن‌ها ارتباط دارند سنجیده می‌شود. اعتماد نهادی حالت انتزاعی اعتماد به نهادها و سازمان‌ها است: سازمانهای نظیر مدرسه، ارتش، دانشگاه، دادگاه، نیروی انتظامی، بنگاه‌های اقتصادی... میزان اعتمادی که مردم به نهادهای گوناگون دارند، در بین جوامع متفاوت است و در طی زمان دستخوش تغییر می‌گردد. هم چنین نوعی از اعتماد به نهادها وجود دارد که اعتماد رویه‌ای نامیده می‌شود، اعتمادی که در اعمال یا رویه‌های نهادی شده بر مبنای این اعتقاد وجود دارد که اگر از این رویه ها و اعمال پیروی شود، بهترین نتایج حاصل خواهد شد؛ مانند اعتماد به شیوه‌های مردم سalarانه (انتخابات، نمایندگی، اکثریت آرا...) به عنوان بهترین شیوه برای تأمین منافع بزرگ ترین بخش از جمعیت و کسب مستدل ترین توافق‌ها در میان منافع متعارض، یا اعتماد به درستی فرآیندهای قانونی به عنوان بهترین ابزار نیل به داروی موجه و عادلانه (زتموکا، ۱۳۸۵).
- ب) اعتماد انتزاعی (مدنی): گیدنر، نظامهای انتزاعی را نظامهای انجام کار فنی یا مهارت تخصصی می‌داند که حوزه‌های وسیعی از محیط مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را تشکیل می‌دهد. مثل نظام پزشکی، نظام معماری و غیره. به نظر وی، ما از اعتماد به نهادهای مدرن و نظامهای انتزاعی در موقعیتی که بسیاری از جنبه‌های مدرنیت جهانی شده است، ناگزیریم. یکی از معانی قضیه بالا این است که، هیچ کس نیست که بتواند از نظامهای تخصصی در نهادهای مدرن کاملاً دوری گزیند. زندگی در دوره مدرن، توسط نظامهای انتزاعی تخصصی تکه‌تکه می‌شود و یک نفر نمی‌تواند مانند گذشته، همه یا بیشتر کارهای خود را مستقلأً انجام دهد (گیدنر، ۱۳۷۷). البته به نظر زتموکا، اعتماد می‌تواند به مقولات انتزاعی دیگری مانند اعتماد به نظام، دموکراسی، علم و غیره نیز تعلق پیدا کند (زتموکا، ۱۳۸۶).
- بر اساس دیدگاه گیدنر، اعتماد دارای چهار بعد است که عبارتند از:
- اعتماد بنیادی: اعتماد بنیادی نگرشی است که فرد نسبت به خود و دنیای پیرامون خود دارد و موجب تقویت این احساس می‌شود که افراد و امور دنیا قابل اعتماد و دارای ثبات و استمرار هستند (گیدنر، ۱۳۷۸).
- اعتماد بین فردی: این اعتماد حاصل روابط مستقیم و چهره به چهره میان اعضای جامعه است.
- اعتماد تعمیم یافته یا عام: این نوع اعتماد در سطحی گسترده‌تر از خانواده، دوستان و آشنایان قرار می‌گیرد. فراتر از روابط چهره به چهره قرار می‌گیرد و حامل شبکه موجود در سطوح فرافردی است؛ به گونه‌ای که اعتماد به مقوله‌های اجتماعی انتزاعی تر و گسترده‌تر قرار می‌گیرد.
- اعتماد به نظام یا سیستم: در جامعه مدرن الزاماً دو سوی فرایند ارتباط را ارتباط‌گران انسانی تشکیل نمی‌دهند، بلکه انسان‌ها گاهی با کنش‌گران غیر فردی ارتباط برقرار می‌کنند. به این ترتیب، شکل دیگری از اعتماد مطرح می‌شود که متوجه ساختارهای غیرشخصی است. در این مورد، به دو نوع اعتماد مدنی و اعتماد نهادی اشاره شده است. اعتماد نهادی به نهادهای رسمی دولتی و اعتماد مدنی به نظامهای تخصصی مربوط است (استون، ۲۰۰۱).
- تقسیم‌بندی دیگر از اعتماد مربوط به سطح کلان است که توسط پاتنم انجام شده است و می‌توان گفت در مقایسه با تقسیم‌بندی گیدنر جامع تر است. پاتنم به عنوان یک نظریه‌پرداز کلان نگر اعتماد را به عنوان ویژگی روابط اجتماعی و یا ویژگی نظام اجتماعی و به طور کلی به عنوان یک ویژگی جمعی مفهوم‌سازی می‌کنند. او اعتماد را بعدی از سرمایه اجتماعی می‌داند که به پنج بعد تقسیم می‌نماید:
- اعتماد غیررسمی: همان اعتماد بین فردی است که در نظریه اعتماد گیدنر وجود دارد.
 - اعتماد رسمی: همان اعتماد به نظام و سیستم است که در نظریه اعتماد گیدنر وجود دارد.
 - اعتماد تعمیم یافته: این نوع اعتماد در نظریه اعتماد گیدنر وجود دارد.
 - اعتماد به محیط: این نوع اعتماد در مواجهه با اتفاقات غیرمنتظره‌ای است که در محیط اطراف با آن مواجه می‌شویم.
 - احساس امنیت: در این نوع اعتماد فرد با توجه به وجود امنیت در شرایط و محیطی که در آن قرار دارد، می‌تواند با اعتمادی که برایش ایجاد شده، به راحتی آنچه را می‌خواهد، انجام دهد (پاتنم، ۲۰۰۰).

۵- اعتماد اجتماعی به متابه پدیده اجتماعی و اصول پنج گانه جامعه شناختی تحلیل دور کیمی آن

اصل اول: چیستی و ماهیت پدیده های اجتماعی؛ پدیده های اجتماعی دارای ماهیتی پیچیده، چند وجهی و چند بعدی هستند که می توان آنها را با استفاده از ابزارهای علمی (پرسشنامه) اندازه گیری نمود. نقش محقق آن است که ابعاد و مولفه های گوనاگون موضوع تحقیق را تبیین و شناسائی کند، برای نمونه بیگانگی اجتماعی شامل پنج مولفه بیگانگی از خود، بیگانگی از کار، بیگانگی از خانواده، بیگانگی از روابط اجتماعی و بیگانگی از نهادهای اجتماعی گزارش شده است. سلامت اجتماعی در بردارنده پنج مولفه شکوفه ای، اجتماعی، همسنگ، احتماعی، یزدیش، اجتماعی، مشارکت اجتماعی، و انسجام اجتماعی، بوده است.

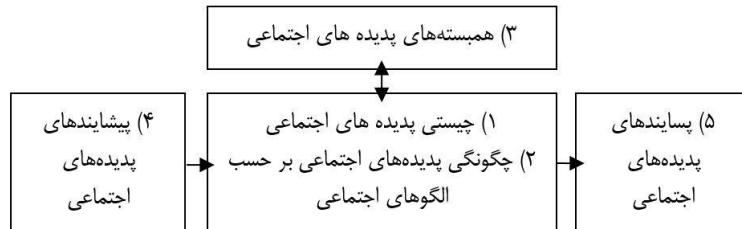
اصل دوم: الگوهای اجتماعی پدیده های اجتماعی: متغیرهای شائع مورد استفاده در تحقیقات اجتماعی، به مثابه الگوهای اجتماعی موضوع مورد بررسی تلقی می شوند. برای نمونه موضوع موقیت تحصیلی بر حسب متغیرهای اجتماعی (شامل جنس، سن، تحصیلات، شغل، وضع تأهل، حوزه های اجتماعی محل سکونت، نژاد و قومیت، طبقه اجتماعی، دین) چگونه است؟ در این اصل به مقایسه موضوع تحقیق بر حسب الگوهای اجتماعی توجه می شود برای نمونه وضعیت اعتماد اجتماعی به تفکیک مردان و زنان، وضعیت اعتماد اجتماعی، به تفکیک محا، سکونت نقاط شهری، و وسیطان، و غیره.

بررسی تمایزات (تفکیک های) اجتماعی نتیجه مقایسه پدیده های اجتماعی خواهد بود که دو وضعیت شناسائی می شود:الف) زمانی که تفاوت معناداری در خصوص پدیده اجتماعی بین گروههای تحقیق وجود دارد که این وضعیت نشان از وجود ناهمگونی (عدم تجانس) اجتماعی در خصوص پدیده اجتماعی دارد. ب) زمانی که تفاوت معناداری در خصوص پدیده اجتماعی بین گروههای تحقیق وجود ندارد که این وضعیت معرف همگونی (تجانس) اجتماعی در خصوص پدیده اجتماعی دارد.

اصل سوم: همبسته های پدیده های اجتماعی: روابط درهم تنیده ای بین موضوعات اجتماعی با یکدیگر مشاهده می شود. نقش محقق، بررسی چگونگی وجود یا عدم رابطه (همبستگی) بین دو پدیده اجتماعی می باشد. در این وضعیت تأکید بر روابط همبستگی است نه روابط علی.

اصل چهارم: پیشانیده‌های پدیده اجتماعی (پدیده به مثابه متغیر وابسته): چه عواملی موجب شکل گیری پدیده اجتماعی می‌شوند؟ پدیده اجتماعی چگونه به وجود می‌آیند؟ پدیده‌های اجتماعی موضوعاتی چند علی هستند و عوامل گوناگون در پیدائی آنها نقش دارند. وظیفه جامعه شناس آن است که عوامل مختلف در شکل گیری پدیده اجتماعی را شناسائی نموده، تاثیر هر کدام از آنها را مشخص کند.

اصل پنجم: پس ایندهای پدیده های اجتماعی (پدیده به متابه متغیر مستقل): کارکردهای پدیده های اجتماعی چیست؟ تعریف کارکرد از نظر جامعه شناسی همان اثر، نقش، وظیفه، پیامد، عاقبت، نتیجه، هدف و ماموریت است. هر پدیده اجتماعی دربردارنده چندین کارکرد است و در یک کارکرد واحد محصر نمی شود. کار جامعه شناس شناختی و تحلیل کارکردها (اثرات، پیامدها و نتایج) ای مختلف پدیده اجتماعی است.



نmodar 1) اصول پنج گانه تبیین جامعه شناختی پدیده های اجتماعی به طور عام و اعتماد اجتماعی به طور خاص

اعتماد اجتماعی به منزله واقعیت اجتماعی محسوب می شود(لویس و وایگرت، ۱۹۸۵). اصول پنج گانه موربدرسی رامی توان بر حسب انواع وسطوح سه گانه تحلیل جامعه شناختی پدیده های اجتماعی به طور عام و اعتماد اجتماعی به طور خاص مشخص دسته بندی و طبقه بندی نمود:

۱) در سطح مقدماتی و تحلیلی، یک متغیر:

الف) بررسی وضعیت اعتماد اجتماعی صرف نظر از متغیرها و موضوعات دیگر اجتماعی: چیستی اعتماد اجتماعی: مبانی نظری و پژوهشی در تبیین اعتماد اجتماعی، چیست؟ میزان، مقدار و وضعیت کوتایی اعتماد اجتماعی، چقدر و چگونه می‌باشد؟

۲) در سطح میانی و تحلیل دو متغیر:

ب) وضعيت اعتماد اجتماعي، بر حسب سیزده الگوی اجتماعی؛ بررسی اعتماد اجتماعی، و مقایسه آن بر حسب جنس، سن، نژاد

(جمهوری، تحصیلات، وضع تاها، اشتغال، تعلقات دینی، وضعیت طلاقه، جوزه‌های اجتماعی، شهیدی، و اوصیائی، کدامند؟

ج) همبسته های اجتماعی اعتماد اجتماعی: آیا اعتماد اجتماعی با سائر متغیرهای فردی اجتماعی و فرهنگی ارتباط و همبستگی دارد؟ در صورت وجود ارتباط، میزان، مقدار و جهت آن چه است؟

۴) سمبسته های اجتماعی اعتماد اجتماعی: ای اعتماد اجتماعی
دراز؟ در صورت محمد انتظام، مزنون، مقدار و حجم آن چقدر است؟

(۳) در سطح پیچیده و تحلیل چند متغیره:

- د) اعتماد اجتماعی به مثابه متغیر وابسته: پیشاندهای اعتماد اجتماعی کدامند؟ چه موضوعاتی در اعتماد اجتماعی تاثیردارند؟ چه عواملی موجب شکل گیری اعتماد اجتماعی می‌شوند؟ تاثیر عوامل گوناگون در شکل گیری اعتماد اجتماعی چه مقدار است؟
 ۵) اعتماد اجتماعی به مثابه متغیر مستقل: پیشاندهای اعتماد اجتماعی کدامند؟ اعتماد اجتماعی در چه موضوعاتی تاثیر دارد؟ پیامدها، اثرات و کارکردهای مختلف فردی، اجتماعی، خانوادگی، فرهنگی، شغلی، آموزشی اعتماد اجتماعی در سطوح متعدد زندگی اجتماعی چیست؟

۶- مبانی نظریه‌های اعتماد اجتماعی)

اندیشه اعتماد اندیشه جدیدی نیست و ریشه در گذشته‌های دور دارد و در مسیر تطور خود پیچیده و گسترش دشده است. اندیشه اعتماد یک جریان فکری چندین قرنی است. مهم‌ترین مساله برای بینان گذاران جامعه‌شناسی، اعتماد و همبستگی اجتماعی است، یعنی بدون انسجام و نوعی اعتماد، پایداری نظام اجتماعی غیر ممکن است (چلبی، ۱۳۷۵).

امیل دورکیم، اعتماد را آرامشی می‌داند که حاصل آمیز بشر در کنار همنوعانش در حالت صلح و به دور از هرگونه دشمنی و خصوصت است. گورگ زیمل، اعتماد را معادل کلمه ایمان به کار می‌برد و به اعتقاد وی نوعی ایمان و اعتقاد به افراد جامعه است. تونیس از جمله اندیشمندانی است که معتقد است روابط مبتنی بر اعتماد تنها در گمین شافت وجود دارد و این نوع روابط در گزل شافت با آن شدت وجود ندارد. جورج زیمل با طرح مبادله و بیان منافع پشتسر آن، اعتماد را یکی از مهم‌ترین صرورت‌های مبادله قلمداد کرده است. به اعتقاد او بدون اعتماد عمومی افراد به یکدیگر جامعه تجزیه می‌شود. ماکس ویر پس من تاکید و پیژه بر کش اجتماعی و نیتمندی معانی، معتقد بود منافع موتور کنش هستند و اعتماد همچون ارزشی که در لایه‌های پسین کنش هاست، می‌تواند به کمک منافع عمل گرایانه ایجاد و مستحکم شود.

تالکوت پارسونز به مسئله هنجارها و ارزش‌ها و نقش آنها در ایجاد انتظارات مشخص از کنشگران دیگر یا همان اعتماد مقابله اشاره دارد. پارسونز با مبنای نظری نظم اجتماعی، اعتماد را مدل درونی شده ارزشها، هنجارها و تعهدات از طریق عام‌گرائی می‌داند. پارسونز اعتماد اجتماعی را منبع اصلی نظم اجتماعی دانسته و هم چنین عامل ایجاد اتحاد و انسجام اجتماعی و ثبات و نظم را اعتماد می‌داند. وی مبنای اعتماد را توافق در ارزش‌های جمعی در نظر می‌گیرد. به عقیده وی اعتماد، این باور را در افراد ایجاد می‌کند که دیگران به منظور دست‌یابی به یک موقعیت گروهی از منافع شخصی دست می‌کشند. وی نظام منسجم را نظامی می‌داند که بتوان به عاملان آن در انجام وظایف‌شان اعتماد کرد که این امر خود به پایداری و نظام سیستم اجتماعی کمک می‌کند. در میان اندیشمندان معاصر نیز جایگاه و اهمیت اعتماد در نظریه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است که در دهه هشتاد با تلاش‌های فکری گسترده نیکلاس لومان (۱۹۷۹) و برنارد باربر (۱۹۸۳) از حاشیه به جایگاهی مهم در اندیشه اجتماعی نائل شده است. با مروری بر نظریه پردازی‌های صورت گرفته، اعتماد و نظریه‌های مربوط به آن را می‌توان در سه سطح خرد، میانی و کلان مورد توجه قرار دهیم. در هر یک از این سطوح، می‌توان تئوری‌های متفاوتی را قرار داد که هر یک از منظر و دیدگاه خاصی به اعتماد می‌نگرند (ریتزر، ۱۳۸۲):

الف) در سطح خرد اعتماد به عنوان ویژگی فردی مطرح می‌شود و بر احساسات، عواطف و ارزش‌های فردی تأکید می‌گردد و در بررسی اعتماد تئوری‌های شخصیت و متغیرهای فردی مورد توجه قرار می‌گیرد. بر اساس این دیدگاه اعتماد با مفاهیمی چون همکاری، صداقت، وفاداری، صمیمیت، امید و دگرخواهی ارتباط نزدیکی دارد. نظریه پردازانی همچون کلمن، اریکسون، پیتر ام بلاو و جانسون و ... از منظر نظریه‌های خرد به بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد پرداخته‌اند. نظریه پردازان خردنگر به منظور تحلیل معا و مفهوم اعتماد سطح تحلیل خرد و سطح مطالعه کش را برگزیده‌اند. همه این نظریه‌پردازان اعتماد را به عنوان یک ویژگی فردی و متأثر از کنش‌های افراد در نظر می‌گیرند و در تحلیل و بررسی اعتماد به عوامل فردی و خرد، یعنی عواملی که متأثر از برخوردها، مبادرات و یا ویژگی‌های زیستی، روانی و شخصیتی فرد یا افراد است، توجه دارند.

ب) در سطح کلان اعتماد به عنوان ویژگی روابط اجتماعی و یا ویژگی نظام اجتماعی و به طور کلی به عنوان یک ویژگی جمعی مفهوم سازی می‌شود. نظریه‌پردازان کلان نگر مانند دورکیم، زیمل، مارکس، ویر، اینتلکهارت و پاتنام، فوکویاما، لومان وغیره معتقد به عوامل ساختاری و کلان اعتماد هستند و در بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد سطح مطالعه خود را بر روی ساخت اجتماعی متمرکز ساخته‌اند. آنان اعتماد را به عنوان ویژگی روابط اجتماعی و نظام اجتماعی و به طور کلی به عنوان یک ویژگی جمعی مفهوم سازی می‌کنند.

ج) در بینایین نظریه‌های خرد و کلان اعتماد، نظریه‌پردازانی چون گیدنر با طرح تئوری ساختار بندی هر گونه تقیل گرایی را در بررسی مفهوم اعتماد رد کرده و با تلقیق سطح تحلیل خرد و کلان و سطح مطالعه ساخت و کنش به بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد پرداخته‌اند. به عقیده گیدنر "در جوامن پیش از مدرن اعتماد از نوعی پاییندی چهره دار و مبتنی بر هم حضوری بوده است. در حالی که در عصر مدرنیته و جهان مدرن امروزی وضعیت این چنین نیست. اعتماد غیر شخصی به دیگران ناشناس ناشی از ماهیت رشد یابنده نظام‌های انتزاعی می‌باشد. وجه عمد اعتماد در دوران مدرنیه، پاییندی بی‌چهره ای است که در نظام‌های تخصصی معا پیدا می‌کند

«به نظر می‌رسد اتخاذ یک دیدگاه ترکیبی در مقایسه با اتکای انحصاری بر هر یک از این دیدگاه‌ها (اعتماد به عنوان ویژگی شخصیتی و فردی یا اعتماد به عنوان ویژگی نظام اجتماعی) می‌تواند ثمریخش و کارآمدتر باشد. چنین دیدگاهی می‌تواند اعتماد را به عنوان مفهومی ارزشمند برای چیزی بر تمایز بین سطح کلان و خرد مطرح سازد. آن‌ها در حالی که کار خود را با انتظارات مردم شروع می‌کنند، اعتماد را به عنوان بعدی از ساخت اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهند که به شکل کامل و منحصری نمی‌تواند در سطح روان‌شناختی یا در سطح نهادی مطالعه شود بلکه برای درک آن، ویژگی روان‌شناختی و سطح نهادی باید به طور همزمان مورد توجه قرار گیرند» (میرتال، ۱۹۶۶؛ به نقل از امیرکافی، ۱۳۸۰).

۱) جیمز‌کلمن: اعتماد از نظر کلمن، یک مفهوم محوری است. به نظر کلمن، افراد برای این به کنش اجتماعی می‌پردازند که نیازهای خود را رفع کنند و رفع نیازها تنها از طریق به دستان‌های اجتماعی امکان‌پذیر است؛ بنابراین میدلالات نقش اساسی در ساختن کش‌های اجتماعی دارند. جیمز‌کلمن بر اساس نظریه‌های انتخاب عقلانی و مبادله، کشگران را عاملانی هدفمند در نظر می‌گیرد که به آن کنشی اقدام می‌کنند که احتمال موقیت در آن بیشتر باشد و در این راه محسوسه سود و زیان خود را می‌کنند. (کلمن، ۱۳۷۷).

نظریات جیمز‌کلمن که در چارچوب نظریات سرمایه اجتماعی مطرح شده است، اگرچه به بعد اعتماد شخصی و انتزاعی توجه دارد، اما به طور کلی شیوه روان‌شناختی مبادله را مبنای تحلیل‌های خود قرار داده است. طبق نظر کلمن چون انسان موجودی عقلانی است که کش‌های او مبتنی بر گزینش معقولانه است، لذا اگر جریان و رابطه اعتمادی سودآور باشد، اعتماد و روابط اعتمادی بیشتر خواهد شد ولی اگر این رابطه اعتماد سودآور نباشد و یا اینکه باعث ریسک بالا و عدم کسب سود متناسب باشد آنگاه اعتماد و رابطه اعتمادی کاهش می‌باید. از نظر کلمن، اعتماد اجتماعی دلالت بر انتظارها و تهدیدات اکتسابی تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی شان دارند، تعریف شده است.

۲) رابرت پاتنام: پاتنام معتقد است نوعی تحلیل تعادلی بین سه عنصر مهم سرمایه اجتماعی (اعتماد، هنجارها، شبکه‌ها) برقرار است. منظور وی از این سه عنصر اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مدنی است که هر یک باعث تقویت دیگری می‌شود. وی معتقد است اعتماد اجتماعی به هنجارهای معامله متقابل، شبکه‌های اجتماعی و مشارکت مدنی و همکاری موقفيت‌آمیز متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. هنجارهای همیاری و شبکه‌های مشارکت مدنی باعث افزایش اعتماد و همکاری های اجتماعی می‌شود؛ چرا که انگیزه‌های عهدشکنی و نیز جو ایهام آمیز و غیر شفاف را کاهش می‌دهند (پاتنام، ۱۹۹۳). از نظر وی اعتماد اجتماعی و هنجارهای متقابل به عنوان ضرورتی برای توسعه تمهد مدنی افراد مطرح شده است. شبکه‌های مشارکت مدنی در اجتماعات داوطلبانه جنبه‌های دیگر از شاخص‌های اساسی سرمایه اجتماعی است. لذا پاتنام مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و مدنی را از سازوکارهای تبدیل اعتماد شخصی یا خاص، اعتماد اجتماعی یا تعیین یافته معرفی می‌کند. از طرف دیگر، پاتنام وجود اعتماد اجتماعی در جامعه را موجب تقویت هنجارهای همیاری و فعالیت‌های مدنی می‌داند و معتقد است، کسانی که به همشهربان خود اعتماد می‌کنند، بیشتر داوطلب اجرای برخی از کارها می‌شوند، بیشتر صدقه می‌دهند، مشارکت بیشتری در سیاست و سازمان اجتماعی دارند، در مقابل دیدگاه برداشت‌زند و احتمال بیشتری وجود دارد که به حقوق دیگران احترام بگذارند (پاتنام ۲۰۰۰).

۳) فرانسیس فوکویاما: فوکویاما با نوعی رویکرد اقتصادی به تبیین مسئله اعتماد می‌پردازد و مبنای نظری و کانون تمرکز وی بر حفظ سرمایه اجتماعی به عنوان مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های غیر رسمی است و اعضای گروهی که با یکدیگر همکاری و همیاری دارند، در آن سهیم هستند. درواقع، فوکویاما معتقد است که اعتماد، انتظاراتی است که بر اساس هنجارهای مشترک و صداقت و رفتارهای همکاری جویانه ایجاد می‌گردد. از دید فوکویاما این ارزش‌ها و هنجارها باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تهدبات و ارتباطات دو جانبه باشد. به طوری که مشارکت در این ارزش‌ها و هنجارهای غیر رسمی با چنین ویژگی‌هایی، توسط گروهی از افراد که با یکدیگر همکاری دارند اعتماد را به وجود می‌آورد. البته به عقیده فوکویاما این همکاری و همیاری به منظور افزایش بهره وری اقتصادی صورت می‌گیرد و بنابراین وی اعتماد را بر مبنای سرمایه اجتماعی و در عرصه اقتصادی مطرح می‌سازد. وی افزایش سطح بی اعتمادی در جامعه، کاهش سطح تعهدات اجتماعی، پایین آمدن میزان مشارکت های اجتماعی و افزایش آسیب‌های اجتماعی را معلول کاهش سرمایه اجتماعی می‌داند. «به نظر فوکویاما، از یک سو، بی اعتمادی باعث فراسایش سرمایه اجتماعی گردیده و به اززو، ذره ای شدن، گستته شدن پیوندها و از بین رفتن شبکه روابط بین فردی می‌انجامد؛ و از سوی دیگر، با تحریک و برانگیختن افراد و جستجو برای یافتن جانشین‌ها، اغلب با پذیرش هویت‌های غیرقانونی (در باندهای بزهکاری، خرده فرهنگهای منحرف و نظایر آن) فرد را از حالت خود خارج نموده و او را از خود بیگانه می‌سازد» (زتمکا، ۱۳۸۶). «فوکویاما در کتاب «فروپاشی بزرگ: ماهیت انسانی و بازسازی نظام اجتماعی» (۱۹۹۹) به طور مشخص در باره هنجارها و ارزش‌های اجتماعی بحث می‌کند. به نظر او از اوایل دهه ۱۹۶۰ تا اوایل دهه ۱۹۹۰ بیشتر کشورهای عربی شاهد فروپاشی ای در نظام اجتماعی بوده‌اند. به نظر او این فروپاشی بزرگ به سه شکل خود را نشان داده است: اول افزایش در جرم، دوم افول در اعتماد بین شخصی و سوم اضمحلال خانواده (فیروزجاییان و علی بابایی، ۱۳۹۲).

۴) آنتونی گیدنز: دیدگاه جامعه شناس بریتانیایی آنتونی گیدنز به دلیل اینکه هر دو وجه جامعه شناسی و روانشناسی را به صورت توانمند در تبیین اعتماد اجتماعی به کار گرفته، توجه بسیاری از محققین داخلی و خارجی را به خود جلب نموده و بسیاری از آن‌ها با محوریت این تئوری به بررسی این پدیده اجتماعی پرداخته‌اند. مهم ترین خصلت آرای گیدنز تلفیق سطوح خرد و کلان و

نیز ویژگی تحلیل الگوهای اعتماد در دوران ماقبل مدرن و مابعد مدرنتیه و چگونگی ساز و کار تغییر آن می باشد. به عقیده وی "پویایی مدرنیت سه سرچشم مهمند دارد: "جدای زمان و مکان"، "تحول مکانیسم های از جا کنندگی" و "تحصیص بازاندیشانه" (گیدنز، ۱۳۷۸). از نظر گیدنز "اعتماد در جوامع ماقبل نوین از اهمیت کمتری در مقایسه با جوامع جوامع نوین برخوردار است. چرا که افراد هر چه فاصله زمانی - مکانی بیشتری از هم داشته باشند، به اعتماد بیشتری نیاز خواهند داشت (ریتر، ۱۳۸۶).

کند و کاو در مباحث نظری گیدنز پیرامون اعتماد حاکی از آن است که تئوری ساختاربندی وی که در جهت فائق آمند بر جدل های بین نظریه پردازان سطح خرد و کلان طراحی گردیده است می تواند به عنوان چارچوب نظری مناسب برای تحلیل مسأله بسیار مهم اعتماد اجتماعی باشد و پژوهشگرانی که هم قصد انجام مطالعه در این حوزه را دارند می توانند با استفاده از تئوری هایی از این قبیل و با تلفیقی از هر دو سطح تحلیل خرد و کلان و سطح مطالعه ساخت/ کنش به بررسی دقیق این پدیده اجتماعی در جامعه آماری مورد بررسی پردازند.

۵) رونالد اینگلهارت: «اینگلهارت معتقد است سرمایه اجتماعی فرهنگ اعتماد و مداراست که در آن شبکه های گسترده سازمان های داوطلبانه می روید. شبکه ها نتیجه اعتماد محسوب جانی انجمن شدن مردم با یکدیگر باشد. مردمی که به یکدیگر اعتماد می وزند، با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و در وضعیت های مختلف از گروه کرو و تیم های ورزشی گرفته تا محل کار انجمن تشکیل می دهند تا بین وسیله بیشتر اعتماد بورزند. از نظر او سرمایه اجتماعی (همان اعتماد) نقشی بسیار مهم در حیات سیاسی اقتصادی ایفا می کند»(تاجبخش، ۱۳۸۴). او معتقد است که اعتماد اجتماعی متقابل یکی از پیشنازی های فرهنگ مدنی و ایجاد دموکراسی پایدار محسوب می شود. همچنین، بخشی از نشانگان فرهنگی پایدار است که به بقای دموکراسی منجر می شود. اعتماد در ایجاد حس مشارکت و تعامل نقش مؤثری دارد و به مردم کمک می کند تا علایق و منافع خود را با امیال و علایق دیگران هماهنگ کنند و فرستاد لازم در اختیار رهبران سیاسی قرار دهند تا اصلاحاتی انجام دهند و از همه مهمتر اینکه ارتباط و گفتگوها را میسر و مستحکم می کند (اینگلهارت، ۱۳۷۳). وی با استفاده از یافته های پیمایش های جهانی ارزش های این نظریه را مطرح می کند که در تعیین اعتماد در جامعه، مذهب بیش از توسعه اقتصادی نقش دارد. یافته های دیگر او بیانگر آن است که بالاترین سطح اعتماد را می توان در میان پیروان مذهب پروتستان و آیین کنفوشیوس و پایین ترین سطح را در میان مسلمانان و کاتولیک ها یافت (اکاظمی پور، ۱۳۸۱). اینگلهارت نیز به تعیین از آلموند و وربا اعتماد به یکدیگر را شرط تشکیل روابط ثانوی می داند که به نوبه خود برای مشارکت سیاسی مؤثر در هر دموکراسی وسیع لازم است. حس اعتماد همچنین برای اجرای قوانین دموکراتیک لازم است (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

۶) پیوتر زتموکا: «زتموکا» نویسنده و پژوهشگر نام اور لهستانی، ضمن ارائه یک ارزیابی جامع از اعتماد، بحث خود را در کتاب "نظریه جامعه شناختی اعتماد" بر محورهای زیر استوار می کند: چرش نظریه جامعه شناختی از متغیرهای سخت به متغیرهای نرم، مفهوم و اندیشه اعتماد، انواع اعتماد، کارکردهای اعتماد، بنیادهای اعتماد، فرهنگ اعتماد و در نهایت اعتماد در نظام های خود کامه و دموکراسی. زتموکا «اعتماد را کارآمدی عمومی در ایجاد توانایی برای همکاری، ارتباط، خلاقیت، تحمل، سرمایه اجتماعی و نظایر آن می داند». از این رو اعتماد به عنوان مهم ترین ساختار سرمایه اجتماعی، سازوکاری برای ایجاد انسجام و وحدت در نظام های اجتماعی و تسهیل گر مشارکت، تعامل اجتماعی و پرورش ارزش های مردم سالارانه است و موجب پیوند وثیق شهروندان با نهادهای مختلف اجتماعی می شود و موثر در تقویت، ارتقاء اثربخشی و مشروعيت نهادهای اجتماعی است. زتموکا دلایل توجه به مفهوم اعتماد در جامعه شناسی را چنین بازگو می کند (زتموکا، ۱۳۸۶، ۱۳۷۳):

-۱- اعتماد بعد مهمنی از فرهنگ مدنی است.

-۲- اعتماد بعد مهمنی از جامعه مدنی است. به این معنی که اجتماع منسجم، متعهد و وفادار نسبت به اقتدار سیاسی، بدون اعتماد اقتفی افراد نسبت به یکدیگر و اعتماد عمودی در بین نهادهای مختلف نمی تواند برقرار باشد.

-۳- اعتماد یکی از مولفه های مهم و حیاتی سرمایه اجتماعی است.

-۴- اعتماد با ارزش های فرامادی پیوند دارد، به گونه ای که کیفیت زندگی و بهزیستی روانی پیوستگی مستحکمی با اعتماد تعیین یافته دارد.

-۵- اعتماد یکی از عناصر صلاحیت و کفایت تمدنی است و پیش نیاز مشارکت سیاسی، اقدامات کارفرمایانه و آمادگی برای اخذ فن اوری جدید است.

زتموکا در تعیین جایگاه هستی شناختی اعتماد؛ به عبارتی مشخص کردن جایگاه اعتماد در قلمرو واقعیت، آن را به سه بعد تقسیم می کند: (الف) اعتماد به عنوان یک ارتباط (نوعی تعهد و انتظار یک جانبه)؛ (ب) اعتماد به عنوان یک ویژگی شخصی (انگیزه اصلی فرد اعتماد کننده)؛ (ج) اعتماد به عنوان یک قاعده فرهنگی: از این دیدگاه، اعتماد نه تمایل محاسبه گرا و نه تمایل روانشناسی به حساب می آید؛ بلکه یک قاعده فرهنگی است که تحت عنوان «امر اجتماعی» مطرح شده است.

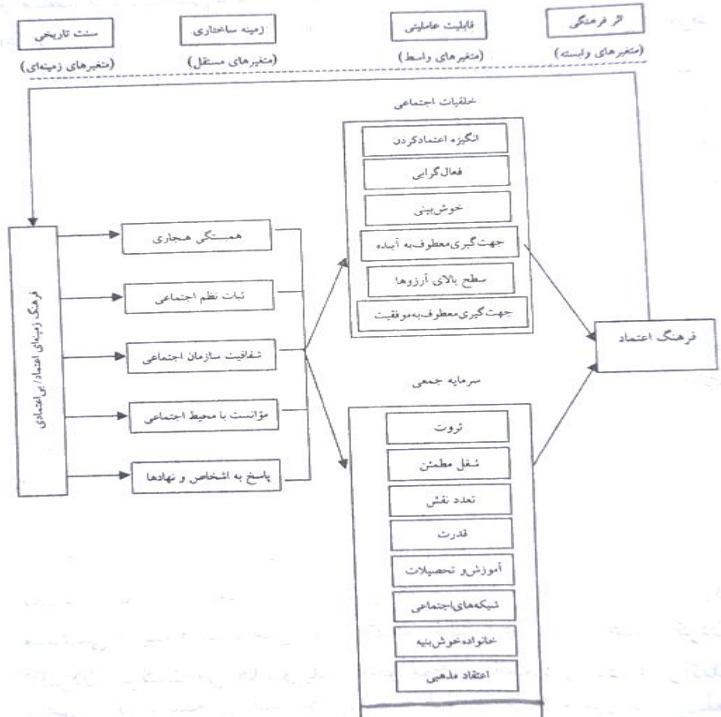
زتموکا با ارائه یک سخنشناسی جامع از مفهوم اعتماد و تعریف آن به صورت دقیق، با نظریه ای تلقیقی به بحث عاملیت و ساختار پرداخته است. معتقد است که اعتماد بر بروی سه پایه بنا می گردد که عبارتند از «قابلیت اعتماد»، «انگیزه اعتماد کردن» و «فرهنگ اعتماد». «فرهنگ اعتماد» در برگیرنده هنجرها، ارزش ها و تجاری است که در ارتباط با اعتماد در جامعه شکل گرفته و مجموعاً فرهنگ اعتماد را به وجود آورده اند. کنش ها و رفتارهای مبتنی بر اعتماد نیز بر اساس همین ارزشها، هنجرها و ... شکل می گیرند. از این چشم انداز است که زتموکا فرهنگ اعتماد را محصول ترکیب ساختار و کنش می داند. دریک کلام، فرهنگ به کنش ها چهت می دهد و کنش ها نیز باعث شکل گیری و قوام فرهنگ می شوند. زتموکا معتقد

است اگر ساختارها اعتماد ساز باشند، نقش اساسی در ظهور فرهنگ اعتماد خواهند داشت. زیرا مکا در بحث بررسی شرایط ساختاری، پنج شرط را به عنوان پیشفرض مطرح می‌سازد که زمینه عمل کنشگران را فراهم می‌آورند و می‌توانند منشا پیدا شوند فرهنگ اعتماد و یا سلب اعتماد و هدایت به سوی فرهنگ عدم اعتماد باشند. این پنج شرط یعنی (۱) وحدت (انسجام و یکپارچگی) هنجری، (۲) پایداری نظام اجتماعی (ثبات نظام اجتماعی)، (۳) شفاقت سازمان اجتماعی، (۴) انس و آشنایی با محیط و (۵) پاسخگو بودن افراد و نهادهای (پاسخگویی سازمان در مقابل مردم یا دیگر نهادها و سازمان‌ها)، شرایط مناسب را برای شکل گیری استعدادها در کنشگران انسانی و فرستاده‌ی را برای شرط‌بندی بر روی اعتماد فراهم می‌سازند.

«قابلیت اعتماد» می‌تواند به عنوان زمینه‌ای تاثیرگذار بر کنش‌های افراد عمل نماید. زتمکا پیدایش فرهنگ اعتماد را در طی فرآیندی به نام «شندن اجتماعی» مورد بحث قرار می‌دهد. فرآیند پیدایش فرهنگ اعتماد نمونه‌ای از فرآیند کلی تر است که از طریق آن، فرهنگ‌ها، ساختارهای اجتماعی، نظام‌های هنجاری، نهادها، سازمان‌ها و موجودات اجتماعی کلان دیگر در حال شکل گیری هستند. شدن فرهنگ اعتماد به عنوان نمونه‌ای از فرآیندهای گسترده‌تر شدن اجتماعی مطرح می‌گردد.

زتومکا با رویکردی تلفیقی نظریه «شدن اجتماعی اعتماد» را درباره شکل گیری «فرهنگ اعتماد» در جامعه مطرح می کند. او در عین اینکه بحث عاملیت انسانی (کنش های فردی یا جمعی و خلائق اجتماعی) و در راستای آن مفهوم سرمایه فردی و جمعی (حاصل جمع امکاناتی که در اختیار افراد جامعه قرار دارد) را مطرح می سازد، از زمینه های ساختاری نیز به عنوان عامل مهم و مؤثر در اعتماد همگانی (فرهنگ اعتماد) نام می برد. «فرهنگ اعتماد» محصول ترکیب ساختار و کنش است. عوامل متعددی بر میزان اعتماد در جوامع تأثیر گذار است که عبارتند از:

میزان اعتماد در جوامع تأثیر گذار است که عبارتند از:



نمودار ۲) مدل شدن (سیرورت) اجتماعی اعتماد ز تومکا (۱۳۸۶)

در یک جدول تطبیقی می‌توان دیدگاه‌های شش نظریه پردازان نظریه اعتماد را به صورت ذیل مقایسه و شbahat‌ها و تفاوت‌های آنها را مشخص نمود (جدول شماره ۱).

جدول ۱) مولفه های اعتماد اجتماعی به تفکیک مولفه و صاحب نظر اجتماعی

متغیرهای زمینه‌ای (مثل سنت تاریخی اعتماد یا بی اعتمادی)؛ متغیرهای مستقل (مثل شرایط ساختاری برای تجربیات مثبت یا منفی توأم با اعتماد که شامل وحدت هنجاری، ثبات نظام سیاسی، شفافیت سازمان اجتماعی، آشنازی با محیط اجتماعی و پاسخگو بودن افراد و نهادها است)؛ متغیرهای میانی (مثل الف: خلقيات اجتماعی که شامل انگیزه اعتماد کردن، عملگرایی، خوشبینی، گرایش به آینده، تمایل زیاد کسب موفقیت است و ب: سرمایه جمعی که شامل ثروت و دارایی، امنیت شغلی، تعداد نقش‌ها، قدرت، تحصیلات، شبکه‌های روابط اجتماعی، خانواده سالم و اعتقادات دینی) است (نمودار شماره ۲).

۷- سابقه و پیشینه پژوهش

۱) سابقه و تاریخچه پژوهش اعتماد اجتماعی در ایران:
الف) مطالعات نظری (حوزه نشر کتاب):

۱) مقاله بررسی مفهوم اعتماد در میان جامعه شناسان کلاسیک (باریارا میزتال، ترجمه ناصر الدین غراب، ۱۳۸۰)

۲) مقاله اعتماد اجتماعی در جامعه مدرن (باریارا میزتال، معرف ناصر الدین غراب، ۱۳۸۰)

۳) کتاب اعتماد یک نظریه جامعه‌شناسی (پیوتر زتموکا، ترجمه فاطمه گلابی، ۱۳۸۴)

۴) کتاب اعتماد: نظریه‌ی جامعه‌شناسی (پیوتر زتموکا، ترجمه غلامرضا غفاری، ۱۳۸۶)

ب) تحقیقات تجربی (موج اولیه آن در مجلات علمی ایران):

۱) بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان (مصطفی ازکیا و غلامرضا غفاری، ۱۳۸۰)

۲) بررسی ارتباط بین اجزاء، سطوح و ابعاد ساختار اعتماد اجتماعی (داود بهزاد، جلال صدرالسادات و علیرضا کلدی، ۱۳۸۲)

۳) اعتماد، اجتماع و جنسیت (تفی آزاد ارمکی و افسانه کمالی، ۱۳۸۳)

۴) عوامل موثر بر شکل گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان (محمد عباس زاده، ۱۳۸۳)

۵) بررسی بنیان‌های سرمایه اجتماعی با تکیه بر اعتماد اجتماعی (مطالعه موردی دانشجویان شهر اراک، مریم یارمحمد تووسکی و غلامرضا توسلی، ۱۳۸۴)

۶) بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان (سجاد اوحاقلو و محمد جواد زاهدی، ۱۳۸۴)

۷) تاثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت با تأکید بر نقش و عملکرد شوراهای اسلامی (مطالعه موردی آذربایجان شرقی) (محمد جواد ناطق پور و فاطمه گلابی، ۱۳۸۴)

ج) مروج تحقیقات پیشین:

تحقیق حاضر نشان داده که سه مقاله به مروج و سابقه تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران ثبت شده است:

۱) «تأثیر دینداری بر اعتماد فراتحلیل پژوهش‌های ده سال اخیر در ایران» (ابوتراب طالبی وزینب حاجلو، ۱۳۹۲): ترکیب شانزده یافته مطالعات و بررسی ضرایب اثر نشان می‌دهد بین «دینداری و اعتماد» رابطه معناداری وجود دارد و شدت این رابطه به طور متوسط حدود ۰/۴ گزارش شده است.

۲) «شکل گیری اعتماد اجتماعی و فراتحلیل عوامل موثر در آن» (مهرداد جواهری پور، محمدرحیمی و رضامونن پور، ۱۳۹۳): جامعه آماری کلیه تحقیقات و پیمایش‌های داخل کشور است که از سال ۱۳۷۰ به بعد توسط دانشگاه‌ها، سازمان‌ها و موسسات دولتی بوده است. در این پژوهش با تأکید بر رویکردی تلفیقی و چند عاملی، عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی به عوامل زمینه‌ای و اجتماعی تقسیم شده و مورد بررسی قرار گرفته و پیشنهادهایی برای افزایش اعتماد اجتماعی در جامعه ارائه شده است.

۳) «فراتحلیل مطالعات رابطه بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی» (ابوبکر خایی، محسن نیازی، حسین رضایی و سعیدحسینی زاده آرانی، ۱۳۹۶): جامعه آماری ۲۷ پژوهش انجام شده تا پایان سال ۱۳۹۳ بوده است. اندازه اثر برآورد شده در نمونه‌های مورد پژوهش ۰/۴۷۸ می‌باشد که بر اساس نظام تفسیر کوهن در محدوده اطمینان در سطح متوسط می‌باشد.

۲) سابقه و تاریخچه پژوهش اعتماد اجتماعی در خارج:

الف) مطالعات نظری (سابقه حوزه نشر کتاب لاتین اعتماد اجتماعی):

آثار علمی آموزشی در حوزه اعتماد اجتماعی به زبان انگلیسی طی سالهای ۲۰۲۱ تا ۱۹۷۹ منتشرشده است که آغازین آنها کتاب اعتماد و قدرت لومان (۱۹۷۹) بوده و عنوانی سی و هفت کتاب مورد نظر به فرار ذیل گزارش می‌شوند:

- 1) Luhmann, N. (1979). Trust and Power.
- 2) Barber, B. (1983). The Logic and Limits of Trust.
- 3) Gambetta D (ed.) (1988) Trust: Making and Breaking Cooperative Relations. Oxford: Blackwell
- 4) Briathwaith and Levi. (1988). Trust and Governance.
- 5) Earle, T. and Cvetkovich, G. (1995). Social Trust: Toward a Cosmopolitan Society
- 6) Fukuyama, F. (1995). Trust: The Social Virtues and The Creation of Prosperity
- 7) Misztal BA (1996) Trust in Modern Societies: The Search for the Bases of Social Order. Cambridge
- 8) Govier T. (1997). Social Trust and Human Communities
- 9) Seligman AB (1997) The Problem of Trust. Princeton University Press.
- 10) Hollis, M. (1998). Trust within Reason. Cambridge
- 11) Sztompka P. (1999). Trust: A Sociological Theory. Cambridge.
- 12) Warren, M.E. (1999). Democracy and Trust. Cambridge University Press
- 13) Tonkiss, F., A. Passey, N. Fenton and L.C. Herns. (2000). Trust and civil Society.
- 14) Cook, R. (2001). Trust in society. Russell Sage Foundation.
- 15) Castelfranchi, C and Yao-Hua Tan. (2001). Trust and Deception in Virtual Societies
- 16) Buskens, V. (2002). Social Networks and Trust.
- 17) Nooteboom, B. (2002). Trust: Forms, foundations, functions, failures and figures.
- 18) Uslaner, E. (2002). The Moral Foundations of Trust. Cambridge University Press
- 19) Hardin, R. (2002). Trust and Trustworthiness
- 20) Markova', I. (2004). Trust and Democratic Transition in Post-Communist Europe. Oxford.
- 21) Hardin, R. (Ed.). (2004). Distrust.
- 22) Rothstein, B. (2005). Social Traps and the Problem of Trust. Cambridge:

۳
۲
۱
۰
-۱
-۲
-۳

ISSN: 2645-4475



- 23)Tilly.C. (2005).Trust and Rule. Cambridge
- 24)Cook,KS, Hardin, R., and Levi, M. (2005), Cooperation Without Trust
- 25)Hardin R (2006) Trust. Cambridge.
- 26)Möllering G (2006) Trust: Reason, Routine, Reflexivity. Oxford.
- 27)Castelfranchi,C and R. Falcone. (2010).Trust Theory: A Socio-Cognitive and Computational Model.
- 28)Yamagishi, T. (2011). Trust: The Evolutionary Game of Mind and Society.
- 29)Sasaki.M, and R. Marsh. (2012).Trust: Comparative Perspectives.Publisher : Brill
- 30)Lyon, F., Möllering,G & Saunders, M. N. K. (Eds.). (2012). Handbook of research methods on trust.
- 31)Blöbaum.B. (2016).Trust and Communication in a Digitized World : Models and Concepts of Trust..Springer
- 32)Six, F. E., & Verhoest, K. (2017). Trust in regulatory regimes.
- 33)Uslaner.E. (2018).The Oxford Handbook of Social and Political Trust.
- 34)Sasaki. M. (2019).Trust in Contemporary Society
- 35)Vallier.K. (2020).Trust in a Polarized Age.Oxford University Press.
- 36)Simon.G. (2020).The Routledge Handbook of Trust and Philosophy
- 37)Vallier.K, and M.Weber. (2021).Social Trust: Foundational and Philosophical Issues. Routledge.
- «اعتماد اجتماعی: مباحث بنیادین و فلسفی» نوشته والیر و بیر (۲۰۲۱) جدیدترین تولید دانش در حوزه نشر کتاب گزارش شده است. این کتاب دارای دیدگاه های میان رشته ای در مورد اعتماد اجتماعی است. نویسنده گان چهار موضوع اصلی مربوط به اعتماد اجتماعی را بیان می کنند. اولین مبحث کار تجربی و رسمی در مورد هنجارها و اعتماد نهادی، به ویژه روابط بین اعتماد و رفتار انسان است. مبحث دوم مربوط به اعتماد به نهادهای خاص، به ویژه سیستم حقوقی، جامعه علمی و اجرای قانون است. سوم، مشارکت کنندگان در حفظ اعتماد اجتماعی به چالش های ناشی از تنوع و ستم می پردازند. سرانجام، آنها در مورد اشکال مختلف اعتماد و اعتماد اجتماعی بحث می کنند. اعتماد اجتماعی مورد توجه محققان فلسفه، علوم سیاسی، اقتصاد، حقوق، روانشناسی و جامعه شناسی خواهد بود.

ب) تحقیقات تجربی (مقالات علمی اعتماد در خارج):

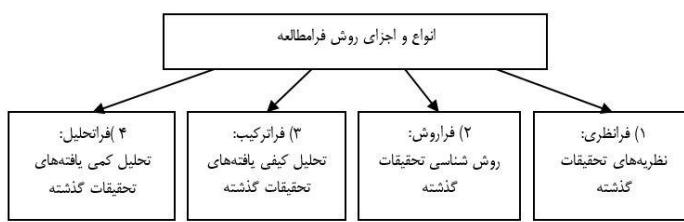
آرنوت (۲۰۰۷) به معرفی کتابشناسی تحقیقات «اعتماد» پرداخته است. سعی مقاله جمع آوری مشخصات کتابشناسی ۶۵۷ مقاله طی سالهای ۱۹۵۸ تا ۲۰۰۷ مرتبط با موضوع «اعتماد» در منابع مختلف علوم انسانی (هم چون مجله، کتاب، کنفرانس و غیره) و هم چنین براساس رشته های مختلف هم چون جامعه شناسی، روانشناسی، اخلاق، سیاست، نظام های اطلاعاتی، رفتارسازمانی، استراتژی و بازارگانی بوده است. استخراج و تجزیه و تحلیل آماری فهرست مورد بررسی توسعه «نگارنده مقاله حاضر» معرف آن می باشد که تنها ۸ درصد مقالات اختصاص به سال های ۱۹۹۰ تا ۱۹۵۸ داشته و ۴۸ درصد مقالات مربوط به سالهای ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ ثبت شده است. نتایج دریافت شده از اوج فوق العاده، چشگمیر و خیره کننده موضوع «اعتماد» در دو دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ بوده است (۹۲ درصد) (جدول شماره ۲).

جدول (۲) تعداد مقالات «اعتماد» در مجلات علمی انگلیسی زبان طی سال های ۱۹۵۸ تا ۲۰۰۷ (منبع: نگارنده مقاله حاضر)

سال	درصد	تعداد	سال	درصد	تعداد	سال	درصد	تعداد
۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰	۳	۰/۵	۱۹۷۱ تا ۱۹۸۰	۱۲	۱	۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰	۳۱۳	۴۸
۱۹۶۱ تا ۱۹۷۰	۸	۱/۵	۱۹۸۱ تا ۱۹۹۰	۳۳	۴	۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷	۲۸۹	۴۴

۸- فراترکیب: چیستی و کاربرد آن در مدل سازی تبیین پدیده های اجتماعی :

«فرامطالعه» یکی از روش هایی است که به منظور بررسی، ترکیب و تحلیل پژوهش های گذشته مورد استفاده قرار می گیرد. فرامطالعه به تجزیه و تحلیل عمیق کارهای پژوهشی انجام شده در یک حوزه خاص می پردازد و با توجه به نیازمندی پژوهش، بر چهار حوزه (۱) «فرانظری» (تحلیل نظریه های مطالعات گذشته)، (۲) «فراپوش» (تحلیل روش شناسی مطالعات گذشته)، (۳) «فراترکیب» (تحلیل کیفی محتوای مطالعات گذشته) و (۴) «فرا تحلیل» (تحلیل کمی محتوای مطالعات گذشته) دلالت دارد (نمودار ۳).

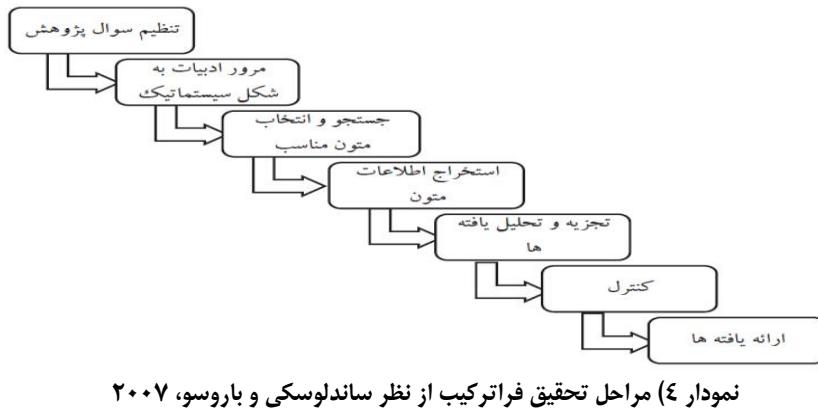


نمودار (۳) انواع چهار گانه روش های فرامطالعه (پاترسون و همکاران، ۲۰۰۱، و بنج و دی، ۲۰۱۰)

«فراترکیب (سترتپژوهی)» مانند فراتحلیل، برای یکپارچه سازی چندین مطالعه برای ایجاد یافته های جدید و تفسیر آنها به کار می رود. با این حال برخلاف فراتحلیل که بر داده های کمی و رویکردهای آماری تأکید دارد، فراترکیب بر مطالعات کیفی و تفسیر و تحلیل عمیق آنها به دلیل فهم عمیق تر است (بنج و دی، ۲۰۱۰ و پاترسون و همکاران، ۲۰۰۱).

۹- چارچوب روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کیفی بوده که در آن از روش "فراترکیب" استفاده شد. هفت مرحله برای انجام فرا ترکیب ارائه شده که این مراحل عبارتند ۱) تنظیم و طرح سؤال پژوهش؛ ۲) بررسی و مرور ادبیات به شکل نظامند و سیستماتیک؛^۳ جستجو و انتخاب مقاله های مناسب؛^۴ استخراج اطلاعات مقاله ها و متون؛^۵ تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته های کیفی؛^۶ کنترل کیفیت و ارائه یافته ها (سندلوسکی و باروسو، ۲۰۰۷). اطلاعات تحقیق درباره «اعتماد اجتماعی» تا زمان انجام و جمع آوری اطلاعات (اردیبهشت ۱۴۰۰) با استفاده از چهار منع اینترنتی پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (sid.ir)، پایگاه اطلاع رسانی نشریات علمی ایران (magiran.com)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags.ir)، پرتال جامع علوم انسانی (Ensani.ir) گردآوری شده است.



در مجموع ۲۳۶ مقاله مندرج در مجلات علمی پژوهشی براسas کلیدوازه های «اعتماد اجتماعی» «اعتماد»، «اعتماد بین فردی»، «اعتماد بین شخصی»، «اعتماد بنیادین»، «اعتماد تعیین یافته ها» برای پژوهش حاضر نهایی گردید.

۱۰- تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش

(الف) روند تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران

نخستین نشرمقاله در حوزه اعتماد اجتماعی اختصاص به سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ داشته است. در مجموع ۹ مقاله موضوع تحقیق تاسال ۱۳۸۵ منتشر شده اند و از سال ۱۳۸۸ (روند فرازبانی) در نشرمقالات حوزه اعتماد اجتماعی مشاهده می شود.^{۱۹} درصد تحقیقات اختصاص به دهه اول پژوهش (سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹) و ۸۱ درصد مقالات در دهه دوم پژوهش (سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۰) ثبت شده اند. بررسی تاریخی نشرمقالات نشان از روند صعودی (افزایشی) در تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران طی دو دهه (سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰) داشته است وهم چنین نتایج فوق نشان از رشد شتابان و سیار فراینده پژوهش اعتماد اجتماعی طی دهه دوم پژوهش داشته است (جدول شماره ۳).

جدول ۳) توزیع فراوانی روند تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران بر حسب سال چاپ مقاله به تعداد و درصد

سال نشر	تعداد	درصد	سال نشر	تعداد	درصد
۱۳۸۰	۱	۰/۵	۱۳۹۰	۱۳	۵
۱۳۸۱	۰	۰	۱۳۹۱	۲۱	۹
۱۳۸۲	۱	۰/۵	۱۳۹۲	۱۸	۸
۱۳۸۳	۳	۱/۵	۱۳۹۳	۳۴	۱۱
۱۳۸۴	۵	۲	۱۳۹۴	۲۲	۹
۱۳۸۵	۱	۰/۵	۱۳۹۵	۱۶	۶
۱۳۸۶	۲	۱	۱۳۹۶	۲۰	۸
۱۳۸۷	۷	۳	۱۳۹۷	۲۶	۱۲
۱۳۸۸	۱۷	۸	۱۳۹۸	۱۶	۷
۱۳۸۹	۱۲	۵	۱۳۹۹	۱۵	۶

(ب) گرایش های پژوهشی در تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران:

۱) کلیات اعتماد اجتماعی در ایران: ۱۳ مقاله به «چیستی اعتماد اجتماعی در ایران» پرداخته اند که شامل مباحث عمومی، کیفی، تاریخی و نظری موضوع بوده و مبتنی بر روش کتابخانه ای (اسنادی) انجام گرفته اند: ۴ مقاله به تبیین اعتماد در ادبیات فارسی (هم چون سعدی، گرشاسب نامه، سیف فرغانی، فیض کاشانی)، پنج مقاله با جهت گیری دینی (در قرآن، اندیشه دینی و متون اسلامی، در میزان الحکمه و از دیدگاه امام موسی صدر) و چهار مقاله به کلیات اعتماد اجتماعی با تکیه بر مفهوم نظم اجتماعی، چند فرهنگی، تاثیر رسانه و بررسی تعاریف و مفاهیم اعتماد اجتماعی.

۲) وضعیت اعتماد اجتماعی در ایران: ۲۶ مقاله به «چگونگی وضعیت اعتماد اجتماعی در ایران» پرداخته اند که در چندبخش قابل تفکیک هستند:

(الف) چگونگی اعتماد اجتماعی بر حسب وضعیت های اجتماعی مختلف برای نمونه دانشجویان (۵ مقاله)، جوانان (۲ مقاله)، شهر و ندان (۴ مقاله)، کارشناسان، روزنامه‌نگاران، معلمان، کودکان کار و خودرو نوشته ها (هر کدام ۱ مقاله).

(ب) تحقیقات متکی برآزمون سنجی ابزار استاندارد معتبر اعتماد اجتماعی و بومی سازی آن با فرهنگ جامعه ایران (۱ مقاله).

(ج) مقالات متکی بر مرور سابقه تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران (۳ مقاله).

(د) مطالعه اعتماد اجتماعی بر اساس روش مقایسه ای (۵ مقاله).

(۳) همبسته های اعتماد اجتماعی در ایران: یافته های پژوهش نشان از آن دارد که تحقیقی به طور مشخص به رابطه همبستگی بین اعتماد اجتماعی و سائر موضوعات اجتماعی گزارش نشده است.

(۴) پیشاپردازی اعتماد اجتماعی در ایران: یافته های پژوهش نشان از آن دارد که ۱۰۲ متغیر (موضوع) در خصوص شرایط و عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی در ایران در قالب ۱۰۷ مقاله شناسایی گردیده اند. سی و چهار متغیر موثر بر اعتماد اجتماعی در ایران دارای بیشترین فراوانی گزارش شده اند که بیشترین آنها عبارتند از: دینداری (۲۸ مقاله)، احساس امنیت اجتماعی (۲۷ مقاله)، طبقه اجتماعی (۱۹ مقاله)، دگرخواهی (نوع دوستی) و رسانه های جمعی (هر کدام ۱۱ مقاله) و مابقی آن متغیرها در جدول شماره ۴ گزارش شده اند. علاوه بر آن مابقی ۶۸ عوامل موثر که هر کدام در یک مقاله گزارش شده اند (جدول شماره ۵).

جدول ۴) توزیع فراوانی ۳۴ موضوع فرعی پیشاپردازی اعتماد اجتماعی در ایران (به ترتیب فراوانی گزارش شده در تعداد مقالات علمی)

تعداد	موضوع	تعداد	موضوع	تعداد	موضوع
۱۶	طبقه اجتماعی	۲۷	احساس امنیت اجتماعی	۲۸	دینداری
۹	رضایت ارزشندگی	۱۱	رسانه های جمعی	۱۱	دگرخواهی
۷	بیگانگی اجتماعی	۷	روابط اجتماعی	۹	تحصیلات
۶	مقبولیت اجتماعی	۷	مشارکت داوطلبانه دراجمن ها	۷	عدالت اجتماعی
۵	ادرار و نگرش به فساد	۵	مشارکت اجتماعی	۶	معاملات اجتماعی
۴	سنن گرایی	۵	فضای عمومی شهری	۵	انسجام اجتماعی
۴	همبستگی اجتماعی	۴	سن	۴	شبکه های اجتماعی مجازی
۳	مطبوعات	۳	تلوزیون	۴	اینترنت
۲	فردگرایی	۳	سرمایه فرهنگی	۳	ارزش های مشترک
۲	شخصیت	۲	احساس محرومیت	۲	هنجرام معامله متقابل
۲	عام گرایی	۲	تعهد اجتماعی	۲	هوش اجتماعی
				۲	ریسک پذیری

جدول ۵) توزیع فراوانی مابقی ۶۸ موضوع فرعی پیشاپردازی اعتماد اجتماعی در ایران (گزارش شده در یک مقاله)

احساس آنومی	منزلت اجتماعی	قانون گرایی	احساس تعلق جمعی
ارزیابی عاملان دانشگاه	انتظار فایده	سبک زندگی	حکمرانی خوب
رضایت شغلی	سلامت روان	دوگانگی فرهنگی	فقیر فرهنگی
غرب گرایی	پای بندی نقشهها	انزواج اجتماعی	حمایت اجتماعی
رعایت اخلاقیات	تلفن همراه	خودکشی	دلیستگی
توسعه اقتصادی اجتماعی	نیپ شخصیتی معاشرتی	فضایل انسانی مثبت گرا	امید به آینده
سوداحدله از اعتماد	میزان وقوع جرم	بحران هویت	محل سکونت
اعتقادیه کارگروهی	نشاط اجتماعی	هویت ملی	هویت جنسیتی
پنداشت از ساختار جامعه	قانون گریزی	هویت جهانی	هویت مذهبی
جو عاطفی خانواده	شهروندی	سرمایه اجتماعی	سرمایه جمعی
هویت قومی قبیله ای	مزاحمت های خیابانی	تصورات قالی	قوم مداری
جامعه پذیری خانوادگی	پیوند اجتماعی	دیدگاه گیری اجتماعی	پرخاشگری
انتظارات ارزشی	نقوا	نگرش به وفا به عهد	نگرش به انصاف
عملکرد دولت	نیروی انسانی مدرسه	ازیبابی ساختار دانشگاه	احساس بی قدرتی
نگرش به اجرای قانون	هوش اجتماعی	رضایت از مردم	سرمایه اجتماعی شبکه
طرحواره درمانی گروهی	تمهدروانی	ماهواره	اقتناصر اجتماعی
وضع تا هل	احساس موقفيت در زندگی	سلامت اجتماعی	ناراضایتی

۵) پسایندهای اعتماد اجتماعی در ایران:

یافته های پژوهش نشان از آن دارد که ۴۹ متفقیر به عنوان اثرات اعتماد اجتماعی در ایران در قالب ۹۰ مقاله شناسایی شده اند. بیشترین اثرات اعتماد اجتماعی اختصاص به ۱۹ متفقیر مشارکت اجتماعی (۲۰ مقاله) و احساس امنیت اجتماعی (۱۳ مقاله) داشته اند و البته گزارش مابقی متغیرهای مربوطه در جدول شماره ۶ آورده شده است. علامه بر آنها مابقی اثرات ۳۰ گانه که هر کدام از آنها در یک مقاله آمده است در جدول شماره ۷ نمایش داده شده است.

جدول ۶) توزیع فراوانی بیشترین پسایندهای اعتماد اجتماعی در ایران (به ترتیب فراوانی گزارش شده در تعداد مقالات علمی)

تعداد	اثر اعتماد اجتماعی	تعداد	اثر اعتماد اجتماعی	تعداد	اثر اعتماد اجتماعی
۴	مشارکت سیاسی	۱۲	احساس امنیت اجتماعی	۱۷	مشارکت اجتماعی
۳	رفاه اجتماعی	۴	آنومی اجتماعی	۴	وفاق اجتماعی
۲	سلامت اجتماعی	۲	سرمایه فرهنگی	۳	توسعه انسانی
۲	فرارازخانه	۲	مدارای اجتماعی	۲	هویت اجتماعی
۲	فردگرایی	۲	توسعه اقتصادی	۲	تعلق اجتماعی
۲	رفتار جامعه پستد	۲	نشاط و شادی	۲	شبکه های اجتماعی مجازی
				۲	مشارکت در طرح های توسعه

جدول ۷) توزیع فراوانی مابقی ۳۰ موضوع پسایندهای اعتماد اجتماعی در ایران (گزارش شده در یک مقاله)

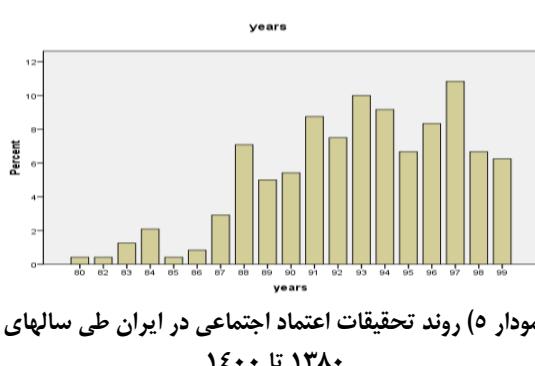
باورهای دنیای عادلانه	توسعه محلی و منطقه ای	خودسازی	نکالیف شهروندی
اختلالات روانی	فرهنگ سیاسی	رضایت شغلی	مراجعةه به باشگاه های ورزشی
بالندگی اجتماعی	انزوای اجتماعی	ارتباطات انسانی	رفتاردموکراتیک درخانواده
هراس اجتماعی	رفتار ناهمجبار	رفتارشهروندی	مشارکت ورزشی
شهروند الکترونیک	گردشگری	سلامت روانی	صرف فرهنگی
کتابخانه های عمومی	کارآفرینی	تعاملات اجتماعی	کجریوی فرهنگی
مشارکت شهروندی	گرایش به ایثارگری	کیفیت زندگی	نگرش به توسعه سیاسی
	تعهد اجتماعی	نزاع فردی	تعهد اجتماعی

۱۱- بحث و نتیجه گیری

اعتماد اجتماعی از اجزای ضروری زندگی اجتماعی است. مفهوم اعتماد اجتماعی از مقاهم کلیدی و کانونی جامعه شناسی تلقی می شود. علایق جامعه شناسان در بررسی و تبیین اعتماد در طی دو دهه اخیر رشد سریع و فزاینده ای از خود نشان داده است. اعتماد اجتماعی به منزله واقعیت اجتماعی محسوب می شود(لویس و وایگرت، ۱۹۸۵). پژوهش حاضر به بررسی تحقیقات انجام گرفته در حوزه "اعتماد اجتماعی" طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ با استفاده از فراترکیب انجام گرفت که نتایج نهایی به قرار ذیل گزارش می شوند:

اول: روند تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران:

بررسی تاریخی نشر مقالات نشان از روند صعودی (افزایشی) در تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران طی دو دهه (سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰) داشته است(نمودار شماره ۵). البته در دهه دوم پژوهش از رشد شتابان بسیار فزاینده برخوردار بوده است.



گرایش‌های پژوهشی به ترتیب فراوانی در چهار بخش پیش‌اندھا (۱۰۷ مقاله و ۱۰۲ متغیر) (۴۶ درصد)، پس‌اندھا (۸۸ مقاله و ۴۹ متغیر) (۳۸ درصد)، وضعیت (۲۵ مقاله) (۱۱ درصد) طبقه بندی شده اند (جدول شماره ۸).

جدول ۸) انواع تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ به تعداد و درصد

درصد	تعداد	گرایش‌های پژوهشی
۱۱	۲۶	تحقیقات وضعیت اعتماد اجتماعی در ایران
۵	۱۳	تحقیقات کلیات اعتماد اجتماعی در ایران
۴۶	۱۰۷	تحقیقات پیش‌اندھای اعتماد اجتماعی در ایران
۳۸	۹۰	تحقیقات پس‌اندھای اعتماد اجتماعی در ایران
۰	۰	تحقیقات همیسته‌های اعتماد اجتماعی در ایران
۱۰۰	۲۳۶	جمع کل

یافته‌های نهایی پژوهش در خصوص دو بخش پیش‌اندھا وهم چنین پس‌اندھای اعتماد اجتماعی در ایران به قرار ذیل گزارش می‌شود (نمودار شماره ۶):

(۱) پیش‌اندھای اعتماد اجتماعی در ایران: نتایج نهایی پژوهش نشان داد که ۱۰۷ مقاله مندرج در مجلات علمی پژوهشی اختصاص به بررسی و معرفی شرایط و عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی در ایران داشته اند. (۴۶ درصد). عوامل متعدد اجتماعی و فرهنگی در شکل گیری اعتماد اجتماعی در ایران موثر بوده اند. دینداری، احساس امنیت اجتماعی، وضعیت طبقات اجتماعی، دگرخواهی (نوع دوستی)، رسانه‌های جمعی، تحصیلات و رضایت از زندگی بیشترین مقالات در خصوص عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی گزارش شده اند. ۱۰۲ متغیر به منزله پیش‌اندھای اعتماد اجتماعی در ایران شناسایی شده اند که بیشترین آنها اختصاص به دینداری (۲۸ مقاله)، احساس امنیت اجتماعی (۲۷ مقاله)، طبقه اجتماعی (۱۹ مقاله)، دگرخواهی (نوع دوستی) و رسانه‌های جمعی (هر کدام ۱۱ مقاله)، تحصیلات و رضایت از زندگی (هر کدام ۹ مقاله) داشته است.

(۲) پس‌اندھای اعتماد اجتماعی در ایران: نتایج نهایی پژوهش معرف آن بوده که ۸۸ مقاله مندرج در مجلات علمی پژوهشی مربوط به بررسی و معرفی پس‌اندھای اعتماد اجتماعی در ایران بوده اند (۳۸ درصد). اعتماد اجتماعی در ایران دارای اثرات، پیامدها، نتایج و کارکردهای مختلفی بوده است. ۴۹ متغیر به منزله پس‌اندھای اعتماد اجتماعی در ایران شناسایی شده اند. بیشترین مقالات علمی درباره اثرات اعتماد اجتماعی اختصاص به دو متغیر مشارکت اجتماعی (۲۰ مقاله) و احساس امنیت اجتماعی (۱۳ مقاله) داشته اند. اعتماد اجتماعی موجب افزایش دو موضوع مشارکت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی شده است که البته اعتماد اجتماعی دارای اثرات دیگری نیز بوده است.

۴) پیشنهادی اعتماد اجتماعی در ایران (شرایط و عوامل موثر):

۱۰۷) دینداری ۲۸ (مقاله)، احسان ابنت اجتماعی (۱۹ مقاله)، طفته بخششی (۱۹ مقاله)، دیرخواهی (نوع دولتی) و

رسله های جمعی (هر کدام ۱ مقاله)، تحقیقات و راهبندی از زندگی (هر کدام ۹ مقاله)، رابطه اجتماعی (امقاله)، پیگانی اجتماعی و عدالت اجتماعی، مشارکت داوطلبانه در اعجمان (هر کدام ۷ مقاله)، تعلقات اجتماعی (ایران)، وظهاری)، مشارکت اجتماعی و مقویت اجتماعی (هر کدام ۶ مقاله)، فضای عمومی شهری (و اخلاق عمومی)، انسجام اجتماعی، فساد (در از ک و تکرش به این، سبن (هر کدام ۵ مقاله)، استرات، سنت (هر کدام ۴ مقاله)، شبکه های اجتماعی، مجازی، و همسنگی اجتماعی هر کدام ۴ مقاله)، سرمایه فرهنگی (۳ مقاله)، تکریزیون، مطوعات و از شبها، مشترک (هر کدام ۳ مقاله)، شخصیت، فردگرایی، عام (گرایی، هیجان‌گذار معلمه متنقلان، احساس محرومیت، تعهد اجتماعی، هویت اجتماعی و رسیک پیشیزی (هر کدام ۴ مقاله)).

۱۰۸) دینداری ۱۰ (مقاله و ۱۰۹) متفقیر (۴۶ مقاله)، احسان ابنت اجتماعی (۱۹ مقاله)، طفته بخششی (۱۹ مقاله)، دیرخواهی (نوع دولتی) و

۳) پسندیدهای اعتماد اجتماعی در ایران:

(آرایت، پیامدها و کار کردها)

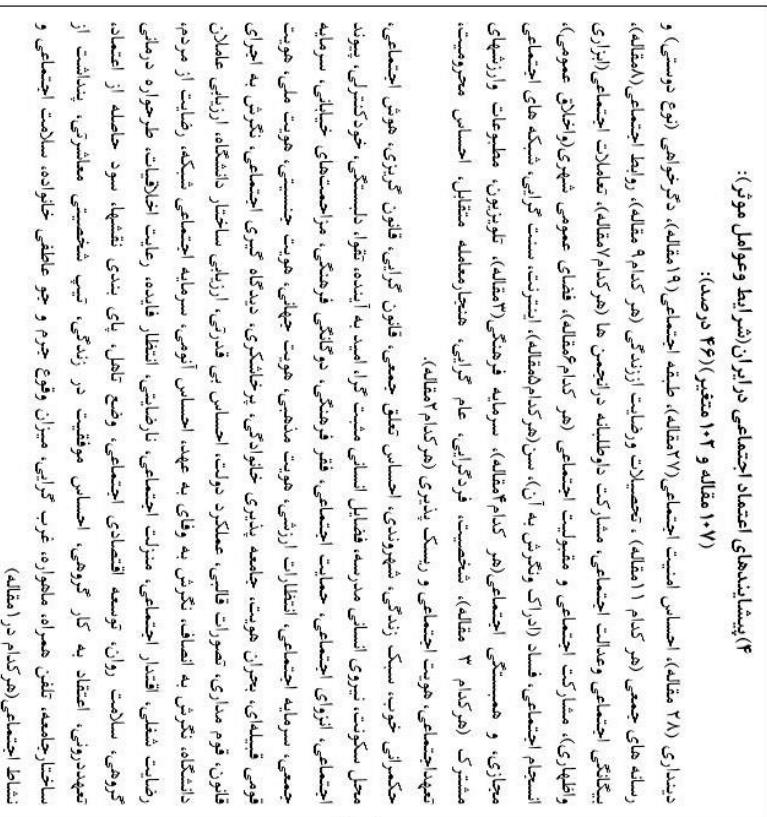
۹۰) مقاله و ۴۹ متفقیر (۳۸) درصد:

۱) گلایات اعتماد اجتماعی در ایران (۱۳ مقاله) و احسان ابنت اجتماعی (۱۳ مقاله)، مشارکت سپسی (۱۰ مقاله) و احسان ابنت اجتماعی (۱۰ مقاله)، آنوسی اجتماعی، وفاق اجتماعی (هر کدام ۴ مقاله)، راه اجتماعی، توسعه انسانی (هر کدام ۳ مقاله)، رفتار مغلوب اجتماعی (چامعه پسند)، هویت اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی مجلزی، سرمایه، فردگرایی، عام (گرایی، هیجان‌گذار اجتماعی، فرار از خالقه، فردگرایی، سلاحت اجتماعی، مداری اجتماعی، فرار از خالقه، تعقیل اجتماعی، توسعه اقتصادی، مشارکت در طرح‌های دیدگاه‌های اسلام

۲) وضعیت اعتماد ایران (۴۶ مقاله):

تکلیف شهروندی، توسعه محلی و منطقه‌ای، خود سلسوری، رضایت شدنی، فردگری سپسی، اشتادات روانی، ارتباطات انسانی، ازدواجی، رفتار دموکراسیک در خالقه، قومی قیله‌ای، پیران هویت، جامعه پذیری خالقدادگی، پوشش‌گری اجتماعی، تکرش به اجرای جمعی، سرمایه اجتماعی، انتظارات از ارشی، هویت منظمی، هویت چشمی، هویت ملی، هویت محل، هویت ملی، شناساد و شادی و فرید گرایی (هر کدام ۴ مقاله)، تکلیف شهروندی، توسعه محلی و منطقه‌ای، خود سلسوری، رضایت شدنی، فردگری سپسی، اشتادات روانی، ارتباطات انسانی، ازدواجی، رفتار دموکراسیک در خالقه، قانون قوه مداری، تصورات قالی، عکسکردی دولت، احسان ای قدری، ازدواجی ساختار داشتگاه ارزیابی عاملان داشته، تکرش به انساف، تکرش به وفاک به عهد، احسان آنومی، سرمایه اجتماعی پیشک، رضایت از مردم، رضایت شغلی، اقدار اجتماعی منزلف اجتماعی، نازاریانی، نازاریانی، رعایت اخلاقیات، طرح‌جواره دولتی، شهروندی، سلامت و رفاه اجتماعی، اقتصادی اجتماعی، وضع تاهم، پایی پندی نتشهاد سود، حاصله از اعتماد، گروهی، سلامت و رفاه، توسعه اقتصادی، غرب گرایی، احسان موقفيت در زندگی، تکب شخختی معاشرتی، پیشاست از تعهدروزی، اعتقد به کار گروهی، احسان موقفيت در زندگی، تکب شخختی معاشرتی، پیشاست از ساختار چالعه، تغفیل همراه، همراه، غرب گرایی، میزان و قوع جرم و جو علطفی خلواده، سلامت اجتماعی و ورزشی و پویاده دنیای عالم از (هر کدام ۴ مقاله)

نمودار شماره ۶) نتیجه گیری نهایی پژوهش: انواع چهار گانه تحقیقات اعتماد اجتماعی در ایران طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ (تعداد ۲۳۵ مقاله)



منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی و افسانه کمالی. (۱۳۸۳). اعتماد، اجتماع و جنسیت؛ بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۳، تابستان، صفحات ۱۰۰ تا ۱۳۲.
۲. آزاد ارمکی، تقی و تن ناز اسدی دریندی (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی و تاثیر آن بر جامعه شناسی در ایران، مجموعه چکیده مقالات کنفرانس ملی پژوهش اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۵ و ۶ دی ماه، صفحه ۱۶.
۳. ازکی، مصطفی و غلامرضا غفاری. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی، بهار و تابستان، دوره ۹، شماره ۱۷، صفحات ۳ تا ۳۱.
۴. امیرکافی، امیر مهدی. (۱۳۸۰). اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن، فصلنامه نمایه پژوهش، سال پنجم، تابستان، شماره ۱۸، صفحات ۱۰-۴۲.
۵. اینگل‌هارت، رونالد. (۱۳۷۳). «تحول فرهنگی در جوامع پیشرفت‌های صنعتی»، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کوپر.
۶. اوجاقلو، سجاد و محمد جواد زاهدی. (۱۳۸۴). بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در شهر زنجان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴، زمستان، صفحات ۹۲ تا ۱۲۵.
۷. تاجبخش، کیان. (۱۳۸۴). سرمایه‌های اجتماعی: دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، انتشارات شیرازه.
۸. پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
۹. پیران، پرویز. (۱۳۹۲). مبانی مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی، تهران، نشر علم.
۱۰. جواهری، فاطمه و قادر بالاخانی. (۱۳۸۵). رسانه جمعی و اعتماد: بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی بر اعتماد اجتماعی (مطالعه موردی شهر وندان تهرانی)، مجله علوم اجتماعی، بهار و تابستان، شماره ۱، صفحات ۱-۲۹.
۱۱. چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظام، تشریح و تحلیل نظری نظام اجتماعی، تهران، نشر نی.
۱۲. رشادی، منوچهر. (۱۳۹۹). بررسی ارتباط میان اعتماد و مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: شهر وندان شهرهای استان همدان)، مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره نهم، شماره ۴، زمستان، صفحات ۹۱۱ تا ۹۳۰.
۱۳. ریتز، جورج. (۱۳۸۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثالی، تهران: انتشارات علم.
۱۴. زتومکا، پیوتر. (۱۳۸۶). نظریه جامعه‌شناختی اعتماد، ترجمه: غلامرضا غفاری، تهران: انتشارات شیرازه.
۱۵. کاظمی پور، عبدالحمد. (۱۳۸۱). «سرمایه اجتماعی در ایران»، تهران: انتشارات طرح‌های ملی، چاپ اول.
۱۶. کرمی، ابوالفضل، محمد صادق مهدوی و مصطفی ازکیا. (۱۳۹۹). نقش سرمایه فرهنگی در تقویت اعتماد اجتماعی در ایران، مجله سیاست‌های راهبردی کلان، شماره ۳۲، زمستان، صفحات ۸۷-۸۸.
۱۷. کلمن، ج. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۸. گیدنر، آتنوی. (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیته، تهران: نشر مرکز.
۱۹. ———. (۱۳۷۸). تجدد و تشخّص، ترجمه: ناصر موقفیان، تهران: انتشارات نی.
۲۰. ———. (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نی، چاپ پنجم.
۲۱. گنجی، محمد، شیوا آقابزرگی زاده و حدیثه شمس. (۱۳۹۹). تبیین وضعیت اعتماد اجتماعی در بین شهر وندان شهر کاشان، مجبه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال دهم، شماره ۳۷، زمستان، صفحات ۱۰۲ تا ۱۳۰.
۲۲. عباس‌زاده، محمد. (۱۳۸۳). عوامل موثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، زمستان، سال چهارم، شماره ۱۵، صفحات ۲۷۲ تا ۲۹۲.
۲۳. علی‌پور، پروین، محمد جواد زاهدی و ملیحه شیانی. (۱۳۸۸). اعتماد و مشارکت؛ بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت در شهر تهران، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۲، تابستان، صفحات ۱۰-۱۳۵.
۲۴. فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹). پایان نظم؛ سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه غلام‌عباس توسلی. تهران: جامعه ایرانیان.
۲۵. مرتفعی امامی زواره، علی، امیر محمد حاجی یوسفی. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین میزان اعتماد در سرمایه اجتماعی با میزان مدارای اجتماعی و ملی (مورد مطالعه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران)، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۶، زمستان، صفحات ۱۶۵ تا ۱۹۰.
۲۶. مستولی زاده، محمد. (۱۳۹۹). بررسی تاثیر اعتماد اجتماعی بر توسعه باتکید بر شاخص توسعه انسانی در سالهای ۱۹۸۰-۲۰۱۶.
۲۷. میتزال، باریار. (۱۳۸۰). بررسی مفهوم اعتماد در میان جامعه‌شناسان کلاسیک، ناصرالدین غراب، فصلنامه نمایه پژوهش، سال پنجم، شماره ۴۸، تابستان، صفحات ۵۵-۶۸.

۳۰. میتزال، باربارا. (۱۳۸۰). اعتماد اجتماعی در جامعه مدرن، ناصرالدین غرب، فصلنامه نمایه پژوهش، سال پنجم، شماره ۴۸، ۹۸ و ۹۷ تابستان، صفحات ۹۷ و ۹۸.
۳۱. نجفی، زهرا، منوچهر پهلوان و علی اصغر عباسی اسفجیر. (۱۳۹۹). بررسی نقش اعتماد اجتماعی در امنیت اجتماعی زنان (مورد مطالعه: زنان ۱۵-۶۴ ساله شهر باپل)، مجله مطالعات پلیس زن، شماره ۳۳، پاییز و زمستان، صفحات ۲-۱۶.
32. Arnott DC (2007) Research on trust: A bibliography and brief bibliometric analysis of the special issue submissions. European Journal of Marketing 41(9/10): 1203–1240.
33. Barbalet, J.M. (1996).Social Emotions: Confidence, Trust, and Loyalty. International Journal of Sociology and Social Policy 16(9/10):75-96.
34. Barbalet, J.M. (2009).A characterization of trust, and its consequences.Theory and Society,V.38:367-382.
35. Barbalet.J. (2019a).The Experience of Trust : Its Content and Basis, Chapter1,PP11–30 In Trust in Contemporary Society by Masamichi Sasaki,Publisher:Brill.
36. Barbalet.J. (2019b).Trust: Condition of action or condition of appraisal.International Sociology.V.34,N.1:83-98.
37. Barber, B. (1983). The Logic and Limits of Trust. New Brunswick, N.J.: Rutgers University Press
38. Bench, S, & Day, T. (2010) "The user experience of critical care discharges: a meta-synthesis of qualitative research", International journal of nursing studies, 47(4): 487-499.
39. Cook, K. S (2001).Trust in society, New York: Russell Sage.
40. Cook,K.S. and A. Gerbasi. (2009). Trust, pp 218-241 in The Oxford Handbook of Analytical Sociology,Edited by Peter Bearman and Peter Hedström.Oxford Press.
41. Dellmuth, lisa Maria, Tallberg, Jonas (2020), Why national and international legitimacy beliefs are linked: social trust as an antecedent factor, The review of international organizations, Vol 15, Pp 311-337.
42. Gross, K. S. Aday, and P. R. Brewer (2004).A Panel Study of Media Effects on Political and Social Trust After September 11, 2001,Harvard International Journal of Press/Politics.V.9,N.4: 49-73
43. Lewis,J,D, and A.J.Weigert. (1985).Trust as a social reality.Social Forces.V.4,N.5: 967-985.
44. Lewis,J,D, and A.Weigert. (2012).The Social Dynamics of Trust: Theoretical and Empirical Research, 1985-2012.Social Forces, V.91, N. 1: 25-31
45. Levi, M. 2001. "Trust, Sociology of". In *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences*, vol. 23: 15922–26, edited by Neil J. Smelser and Paul B. Baltes.Oxford, UK: Elsevier.
46. Lyon, F. (2000).Trust, Network and Norm's: The Creation of Social Capital in Agricultural Economies in Ghana, World Development,V. 28, N. 4:663-682.
47. Marsh.R. (2019). Social Trust in Japan and Taiwan: A Test of Fukuyama's Thesis.In *Trust in The Contemporary Society*,210-229, edited by Masamichi Sasaki,Boston,Brill.
48. Misztal, B. (1996). Trust in Modern Societies, Cambridge:polity press.
49. Møllering, G. (2006). Trust: Reason, Routine, Reflexivity. Oxford, UK: Elsevier Ltd.
50. Onyx, J., & Bullen, P. (2000). Measuring social capital in five communities. The Journal of Applied Behavioural Science,36, 23-42.
51. Patterson, B., Thorne, Calnan, C., & Jillings. C. (2001) Meta- study of qualitative health research: a practical guide to meta-analysis and meta-synthesis.California press.
52. Portes, A., & Sensenbrenner, J. (1993). Embeddedness and immigration: Notes on the social determinants of economic action. American Journal of Sociology, 98, 1320–1350.
53. Putnam (1993) The Prisperioius Community; Social Capital and Public Life, New York: American Prospect.
54. Putnam, Robert. (2000) Bowling Alone: The Collapse and Renewal of American Community. New York: Simon and Schuster.
55. Sandelowski, M.; Barros, J. (2007), Handbook for synthesizing qualitative research,Springer publishing company Inc.
56. Sasaki.M. and R. Marsh. (2012).Trust: Comparative Perspectives.Publisher : Brill
57. Schilke,O. M. Reimann, and K. S. Cook. (2021). Trust in Social Relations, to appear in Annual Review of sociology, vol. 47, 2021)
58. Stone, W. (2001) "Measuring Social Capital: Towards a Theoretically Informed Measurement Framework for Researching Social Capital in Family and Community Life" Research Paper No.24, Australian Institute of Family Studies, Melbourn.
59. Sztmpka, Piotr. (2001).Trust: Cultural Concerns". In *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences*, vol. 23: 15913–17, edited by Neil J. Smelser and Paul B. Baltes. New York: Elsevier
60. Vallier,K, and M.Weber. (2021).Social Trust: Foundational and Philosophical Issues (Routledge Studies in Contemporarv Philosophy) 1st Edition. : Routledge;
61. Verducci S.. Schröer A. (2020) Social Trust. In: List R.. Anheier H.. Toepler S. (eds) International Encyclopedia of Civil Society. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-99675-2_68-1
62. Weber, L.R., and Carter, A.I. (2002). The Social Construction of Trust. New York, NY: Springer.